

**فصل نامه راهبرد**

نشریه علمی دانشجویی  
روانشناسی تربیتی  
سال ۹، شماره ۳۱

**روان شناسی اجتماعی؛ کنش متقابل نمادین**  
**علوم شناختی؛ رشد شناختی-هیجانی مغز**  
**ذهنی سازی: گامی فراتر از ارضای نیازهای اساسی**  
**چهارسوق؛ محلی برای داد و ستد از جنس تعلیم و تربیت**  
**اهمیت بازی انفرادی و راهکارهایی برای تشویق کودکان به این نوع بازی**





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





۲



فصل نامه راهبرد

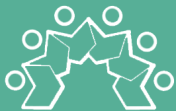
نشریه علمی دانشجویی  
روانشناسی تربیتی  
سال ۹، شماره ۳۱

نشریه علمی دانشجویی روانشناسی تربیتی، شماره ۳۱  
صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی روان شناسی تربیتی  
دانشگاه الزهرا (س)  
استاد مشاور: دکتر مریم محسن پور  
(عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س))  
مدیر مسئول: مهلا بازوکی  
سردبیر: نفیسه سادات نکویی  
هیئت تحریریه: مرتضی منادی، حمیده سامانی، زهرا  
عاطفی، منصوره امینی، زهرا حجتی پور، زهرا نیک بین،  
راحله براری، فاطمه دوست محمدی، هنگامه رضانی،  
مریم رئیسی، شهلا زورمند بناب و سیده سیما سیادتی  
طراح و صفحه آرا: احمد ناجی

# فهرست

- ۶ کنش متقابل نمادین؛ نقش لباس روحانیت در موقعیت های مختلف
- ۱۱ علوم شناختی؛ رشد شناختی-هیجانی مغز
- ۱۸ ذهنی سازی: گامی فراتر از ارضای نیازهای اساسی
- ۲۲ اهمیت بازی انفرادی و راهکارهایی برای تشویق کودکان به این نوع بازی
- ۲۶ معرفی رویداد چهارسوق؛ محلی برای داد و ستد، اما از جنس تعلیم و تربیت
- ۳۱ فراشناخت کاربردی؛ در حوزه های یادگیری، آموزش و جمعیت های مختلف
- ۳۳ تحلیل مستند «People Republic of Desire 2018» با رویکرد روان شناسی اجتماعی

۳



فصل نامه راهبرد

نشریه علمی دانشجویی  
روانشناسی تربیتی  
سال ۹، شماره ۳۱

# سخن سردبیر

بر نمی آیم برنگی هر زمان چون نوبهار  
سرو آزادم که دائم یک قبا باشد مرا

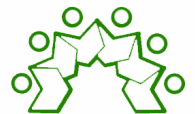
انسان امروزی به خوبی این حقیقت را دریافته که علم و آگاهی، تنها رهیافت او برای رفاه در مسیر زندگی است. به اشتراک‌گذاری دانش و تلاش برای توسعه علم، یعنی برداشتن گامی موثر در مسیر رفاه و آسایش جمعی و این تلاش، به نوبه خود بسیار ارزشمند است. خداوند را شاکریم که توفیقی حاصل نمود تا این شماره از نشریه علمی-دانشجویی راهبرد را نیز با محوریت موضوعات به‌روز روان‌شناسی، به همت جمعی از دانشجویان و علاقمندان حوزه روان‌شناسی منتشر کنیم. راهبرد یک نشریه دانشجوی محور در راستای کسب، نشر و ارتقاء دانش، طرح مسائل، دستاوردها و موضوعات به‌روز روان‌شناسی است تا در کنار هم تمامی دیدگاه‌های غالب در زمینه‌ی روان‌شناسی را به اشتراک بگذاریم.

بدینوسیله ضمن قدردانی از کلیه اعضای هیئت تحریریه و همکاران محترم که ما را در تهیه این شماره مجله یاری نمودند، از مخاطبان و صاحب نظران اندیشمند تقاضا می‌شود با نقطه نظرات ارزشمند خویش، نشریه راهبرد را در ادامه مسیر یاری نمایند.



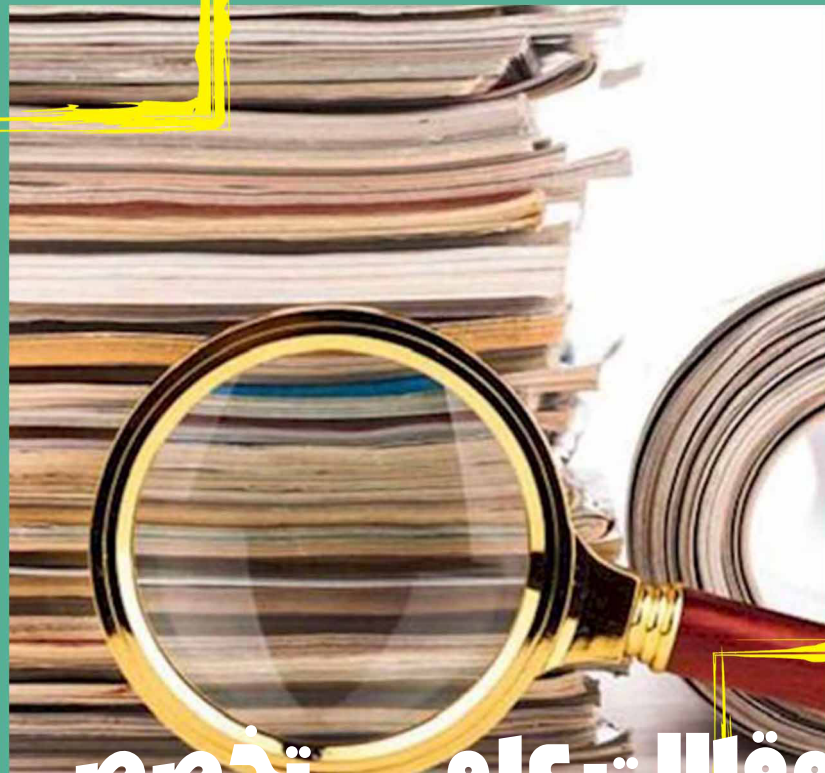
سپاس از همراهی شما  
نفیسه سادات نکویی  
دانشجوی کارشناسی ارشد  
روان‌شناسی تربیتی دانشگاه الزهراء

۴



فصل نامه راهبرد

نشریه علمی دانشجویی  
روانشناسی تربیتی  
سال ۹، شماره ۳۱



۵



فصل نامه راهبرد

نشریه علمی دانشجویی  
روانشناسی تربیتی  
سال ۹، شماره ۳۱

# مقالات علمی - تخصصی

■ کنش متقابل نمادین؛ نقش لباس روحانیت در موقعیت‌های مختلف

## کنش متقابل نمادین؛

### نقش لباس روحانیت در موقعیت های مختلف<sup>۱</sup>

حمیده سامانی، زهرا عاطفی، منصوره امینی، زهرا حجتی‌پور، زهرا نیک‌بین  
و مرتضی منادی<sup>۲</sup>

#### مقدمه

افراد در محیط اجتماعی شکل می‌گیرند (نیازی و مرتضوی، ۱۳۹۴).

نظریه تعامل نمادین بر مفاهیمی از جمله خود، خودفاعلی، خودمفعولی، دیگری مهم، دیگری عمومیت یافته و کنش اجتماعی استوار است. «خود» در واقع درکی است که فرد از هویتش دارد و پاسخی است که فرد در پرسش «من کیستم؟» می‌دهد. «خودفاعلی»<sup>۶</sup> به جنبه‌های فردی و سرکش‌غیرارادی فرد اشاره دارد که پیش‌بینی‌ناپذیر و خلاق است و نشان‌دهنده خود اجتماعی نشده فرد است. در سویی دیگر، «خود مفعولی»<sup>۷</sup> به آن جنبه‌ای از شخصیت گفته می‌شود که پیش‌بینی‌پذیر است و با مقتضیات جامعه سازگار است. در واقع خودمفعولی همان خود اجتماعی شده است که در مواقعی بر خود فاعلی اثر می‌گذارد. «دیگری مهم»<sup>۸</sup> در واقع فرد یا افرادی است که شخص بیشترین رابطه را با او دارد و از نظر احساسی بین آنها علاقه یا وابستگی وجود دارد. در کنار این مفاهیم مجموعه انتظاراتی است که دیگران از شخص دارند و با اصطلاح «دیگری عمومیت یافته»<sup>۹</sup> شناخته می‌شود. در نهایت کنش اجتماعی است که واحد تحلیل رفتار اجتماعی است و نشان‌دهنده تعامل دو یا چند نفر است که در نتیجه، این افراد نسبت به هم تعهد یا وظیفه پیدا می‌کنند (انواری، ۱۳۹۰).

تغییر سبک زندگی انسان‌ها و تمایل آنها به زندگی در کنار یکدیگر موجب ایجاد اجتماعات کوچک شد. طی سالیان متمادی، اجتماعات کوچک رفته رفته گسترش یافت و تبدیل به شهرهای بزرگ شده است. هر اجتماع متشکل از افراد مختلفی است که هر کدام در طبقه خاصی قرار می‌گیرند. این طبقات در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و بر عملکرد یکدیگر اثر می‌گذارند. جهت بررسی نحوه اثرگذاری گروه‌ها بر یکدیگر نظریه‌های جامعه‌شناسی متعددی مطرح شده است. یکی از معروف‌ترین نظریه‌ها در این زمینه، نظریه تعامل نمادین<sup>۳</sup> است که توسط جورج هربرت مید<sup>۴</sup> (۱۹۳۴) مطرح شده است. این نظریه به چگونگی ایجاد و حفظ جامعه از طریق تعاملات مکرر میان افراد می‌پردازد (کارتر و فولر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶). تعامل نمادین بدین معناست که زندگی اجتماعی ناگزیر از کنش‌هایی است که اغلب به صورت نمادین صورت می‌گیرند. از طرفی دیگر، کنش متقابل افراد جامعه بر عملکرد یکدیگر اثر می‌گذارد. در این شرایط فرد جامعه‌پذیر شده و اعمال خود را سازمان‌دهی می‌کند (رستمی تبریژی و محتشمی، ۱۳۹۲). منشا این نظریه، نمادها و معانی مربوط به آنهاست که در کنش متقابل



نشریه علمی دانشجویی  
روانشناسی تربیتی  
سال ۹، شماره ۳۱

6- self  
7- active self  
8- Objective self  
9- Significant Other  
10- Generalized Other

1- این مقاله حاصل پژوهش مرتبط با درس روان‌شناسی اجتماعی، دانشجویان کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه الزهرا است  
2- دانشیار گروه آموزشی روانشناسی تربیتی  
3- Symbolic Interaction  
4- George Herbert Mead  
5- Carter & Fuller



اصول حاکم بر نظریه به این موارد اشاره داد که مردم نسبت به اتفاقات واکنش نشان می‌دهند و این واکنش منشأ ساخت معانی مختلف می‌گردد. افراد در حین کنش اجتماعی معانی را به

پیاده نشده است به همین دلیل راننده‌ها مقابل قادر به دیدن لباس کامل روحانیت نبودند لذا نشانه روحانیت فقط استفاده از عمامه در نظر گرفته شد.

دیگران منتقل می‌کنند و دیگران این نمادهای معنی‌دار را تفسیر می‌کنند و بر پایه تفسیرشان از این نمادها، واکنش نشان می‌دهند (نیازی و مرتضوی، ۱۳۹۴).

فرد مشاهده‌کننده، محجبه و جوان بود و در صندلی عقب قرار می‌گرفت ولی با توجه به تفاوت سنی با راننده، سایرین این تصور را داشتند که آن‌ها پدر و فرزند هستند.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان به اهمیت و اثرگذاری کنش‌های گروه‌های خاص جامعه که از آنها با نام نخبگان اجتماعی یاد می‌شود را درک کرد. نخبگان اجتماعی که عموماً شامل هنرمندان، سیاست‌مداران، روحانیون، ورزشکاران، روشنفکران و نویسندگان هستند. هرکدام از این نخبگان با استفاده از نمادهای مختلفی که در رفتار، گفتار و لباس خود دارند معانی مختلفی را به افراد جامعه منتقل می‌کنند. با توجه به اینکه روحانیون سمبلی از نظم و رعایت ارزش‌ها و هنجارها هستند لذا رفتار آنها می‌تواند الگویی برای سایر افراد جامعه باشد. در نوشته پیش رو سعی داریم هم‌آیندی لباس روحانیت به عنوان نمادی از طبقه روحانیون و نقض قوانین و واکنش مردم نسبت به این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم.

مشاهده‌شوندگان، رانندگان گذرکننده از خیابان مذکور بودند. با توجه به اینکه هر راننده احتمال دارد فقط یکبار از آن خیابان عبور کند، امکان ثبت واکنش آنها در هر دو موقعیت (راننده خاکی با لباس روحانیت و بدون لباس روحانیت) وجود ندارد لذا جهت ثبت داده‌ها، سه بازه سنی ۲۰-۳۰ سال، ۳۰-۴۰ سال و ۴۰-۵۰ سال در نظر گرفته شد و واکنش افراد در هر موقعیت ثبت شد. به دلیل برخورد لحظه‌ای با رانندگان امکان بررسی مذهبی یا غیرمذهبی بودن مشاهده‌شوندگان وجود نداشت.

### ویژگی محل مشاهده

محل پژوهش یکی از خیابان‌های منطقه ۲ شهر یزد در نظر گرفته شد که جز مناطق سنتی شهر یزد محسوب می‌شود. خیابان یک طرفه است به قدری پهن است که امکان رفت و برگشت دو ماشین در آن وجود دارد. موقعیت خیابان به گونه‌ای است که در منطقه پررفت‌وآمد قرار دارد و افراد زیادی از آن استفاده می‌کنند.

### نحوه انجام کار

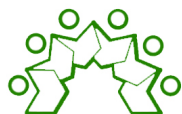
این کار در دفعات متعدد تکرار شد و در برخی از موارد، راننده از عمامه استفاده کرده و در برخی مواقع بدون عمامه بوده است و خلاف جهت خیابان، وارد

### روش پژوهش

در این پژوهش، فرد روحانی به عنوان راننده و یک نفر از اعضای گروه به عنوان مشاهده‌کننده داخل ماشین قرار گرفت و واکنش افراد توسط مشاهده‌کننده به صورت صوتی ثبت و در نهایت از آن استفاده شد.

فرد روحانی ۴۹ ساله و غیرسید بود و ساکن آن منطقه نبود. راننده در هیچ یک از موارد از ماشین

۷



فصل نامه راهبرد

نشریه علمی دانشجویی  
روانشناسی تربیتی  
سال ۹، شماره ۳۱





خیابان شده است و مشاهده‌کننده ناظر بر رفتار رانندگان مقابل بوده است. در هر روز کاری، تنها یک حالت (با استفاده عمامه یا بدون استفاده از عمامه) مورد آزمایش قرار گرفت و مشاهدات ثبت شد.

### داده‌های پژوهش

#### موقعیت راننده بدون عمامه

به طور کلی هنگامی که راننده بدون عمامه نقض قانون کرده است، رفتار رانندگان مقابل در تمام بازه‌های سنی به صورت غیرکلامی مانند چراغ زدن یا سرتکان دادن بوده است و در مواردی هم اصلاً واکنشی نشان نداده‌اند.

#### موقعیت راننده با عمامه

در بازه سنی ۲۰-۳۰ سال در تمام موارد واکنش شدید و به صورت کلامی شامل متلک انداختن مثل حاج آقا از شما بعید هست، این کار برای شما زشت هست، دین فقط نماز و روزه نیست و باید قوانین را رعایت کرد و یا ناسزا و به صورت غیرکلامی شامل بوق ممتد و چراغ زدن دیده شد.

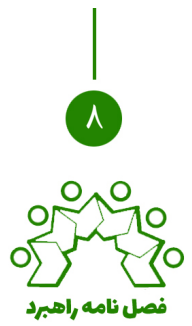
در بازه سنی ۳۰-۴۰ سال در برخی موارد واکنش شدید و به صورت کلامی و غیر کلامی و در مواردی واکنش به صورت متوسط به صورت کلامی و غیر کلامی دیده شد. نوع عبارات استفاده شده در واکنش کلامی نسبت به گره اول، مودبانه‌تر بود.

در بازه سنی ۴۰-۵۰ سال در اغلب موارد واکنش ملایم به صورت غیر کلامی شامل چراغ زدن یا سرتکان دادن دیده شد.

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به اینکه موقعیت زمانی در این پژوهش از نوع موقعیت لحظه‌ای و زمانی است، افراد در همان لحظه نسبت به موقعیت پیش آمده واکنش نشان داده‌اند. با توجه به موارد مشاهده شده در هنگام بسته شدن خیابان، به طور کلی افراد جوان‌تر نسبت به افراد مسن‌تر در مواجهه با کسی که ورود ممنوع آمده است واکنش شدیدتری نشان داده‌اند.

از آنجایی که فرد روحانی متعلق به طبقه مذهبی جامعه است که در این طبقه دیگری عمومیت یافته به صورتی است که در آن رعایت نظم، پیروی از قوانین، رعایت حق الناس و دوری از آزار مردم ویژگی بارز است پس افراد انتظار دارند دیگری عمومیت یافته بر خود مفعولی این افراد اثرگذار باشد در نتیجه رفتار فرد به گونه‌ای باشد که نشان دهنده این ویژگی‌ها باشد. هنگامی که فردی روحانی نقض قوانین می‌کند، در واقع رفتارش برخلاف انتظاری است که افراد در ذهن دارند. با توجه به این موارد واکنش افراد در مقابل راننده روحانی شدیدتر از واکنش این افراد در مقابل راننده غیرروحانی است.



نشریه علمی دانشجویی  
روانشناسی تربیتی  
سال ۹، شماره ۳۱

جدول دسته بندی واکنش مشاهده شوندهگان در موقعیت راننده خاطی روحانی			
بازه سنی (سال)	بروز واکنش	شدت واکنش	نحوه واکنش
۲۰-۳۰	همیشه	شدید	کلامی- غیرکلامی
۳۰-۴۰	اغلب	متوسط تا شدید	کلامی- غیرکلامی
۴۰-۵۰	گاهی	ملایم	غیرکلامی

جایگاه اجتماعی طبقه روحانیت لازم است افرادی که از نمادهای این طبقه استفاده می‌کنند مطابق با ویژگی‌های این طبقه رفتار کنند.

### منابع

انواری، محمدرضا (۱۳۹۰). نقد و بررسی نظریه کنش متقابل نمادین. معرفت، سال بیستم، شماره ۱۶۷، ۱۷۱-۱۵۲

رستمی تبریزی، لمیاء و محتشمی، ندا (۱۳۹۲). نظریه تعامل گرایی و تحلیل انتقادی آن. مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره پنجم، شماره ۲، ۱۰۳-۵۹

نیازی، محسن و مرتضوی، آمنه (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل نظریه کنش متقابل نمادین، کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، دوره یک

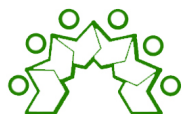
Carter, Michael & Fuller, Celene (2016) Symbolic Meaning and Action: The Past, present and future of Symbolic Interactionism, Current Sociology, 26 (6), 1-13

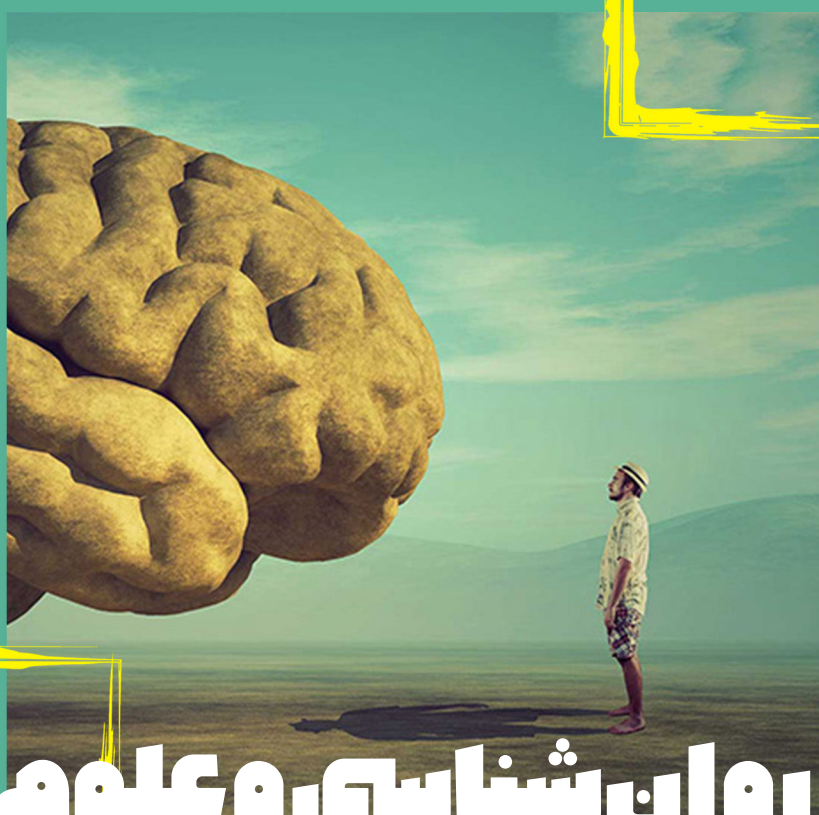


از طرفی فرد روحانی معرف گروهی از نخبگان جامعه است، افراد جامعه راننده روحانی را نمادی از نخبگان جامعه می‌دانند لذا رفتار راننده روحانی از نظر مردم باید معرف گروه نخبگان باشد. هنگامی که راننده روحانی از قوانین پیروی نمی‌کند، این رفتار برای مردم قابل قبول نیست و واکنش منفی افراد به راننده خاطی با لباس روحانی شدیدتر از واکنش آنها به راننده خاطی غیر روحانی است.

با توجه به بازه‌های سنی در نظر گرفته شده، هر کدام از افراد خود را متعلق به طبقه ای از جامعه شامل جوان، میان سال و مسن می‌دانند. با توجه به اینکه هر بازه سنی ویژگی‌های خاص خودش را دارد پس شدت واکنش افراد براساس طبقه سنی قابل توجیه است. هر طبقه سنی، دیگری عمومیت یافته منحصر به فردی دارد که بر خود افراد (خود مفعولی و فاعلی) و کنش اجتماعی آنها تاثیر می‌گذارد. هرچه بازه سنی از جوانی به سمت میانسالی تغییر می‌کند به دلیل تغییر خود افراد، نحوه واکنش آنها نیز متفاوت می‌شود. براین اساس رانندگان جوان‌تر رفتار هیجانی‌تر و شدیدتر از خود نشان می‌دهند در حالی که افراد مسن صبورتر و مودبانه‌تر برخورد می‌کنند.

با توجه به مشاهدات می‌توان به این نتیجه رسید لباس یکی از نمادهای مهم در طبقه بندی افراد و انتساب آنها به گروه یا دسته خاصی است. براساس این نماد، سایر افراد ویژگی‌ها و صفات خاصی را برای این گروه در نظر می‌گیرند و انتظار می‌رود این گروه رفتار خاصی را نشان دهند. هنگامی که از فردی با نماد یک طبقه خاص، رفتاری برخلاف آنچه تصور می‌شود دیده شود، ناظرین به ارزیابی رفتار دیده شده با ویژگی‌های دیگری عمومیت یافته آن طبقه می‌پردازند. به دلیل تناقض رفتار با انتظارات از آن طبقه، احتمال بروز واکنش‌های اعتراضی از طرف ناظرین بیشتر خواهد بود. لذا برای حفظ





# روان‌شناسی و علوم

■ علوم شناختی؛ رشد شناختی - هیجانی مغز

۱۰



فصل نامه راهبرد

نشریه علمی دانشجویی

روانشناسی تربیتی

سال ۹، شماره ۳۱

## رشد شناختی-هیجانی مغز



راحله براری  
دانشجوی دکتری روان شناسی تربیتی  
دانشگاه مازندران

### مقدمه

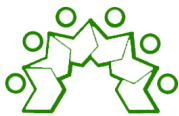
شناخت بشر از مغز و پیچیدگی‌های آن هر روز در حال افزایش است. می‌دانیم که این ساختار شگرف دارای بخش‌های حیاتی است که با سرعت و دوره‌های متفاوتی توسعه می‌یابند. یکی از آنها بخش پری فرونتال کورتکس است (PFC) که علاوه بر نقش بسیار مهمی که در کارکرد بهینه مغز دارد، دارای توسعه طولانی‌تری هم نسبت به سایر مناطق است. به عبارتی توسعه آن تا ۲۵ سالگی ادامه داشته و موجب توانایی‌های مهم انسانی می‌شود.

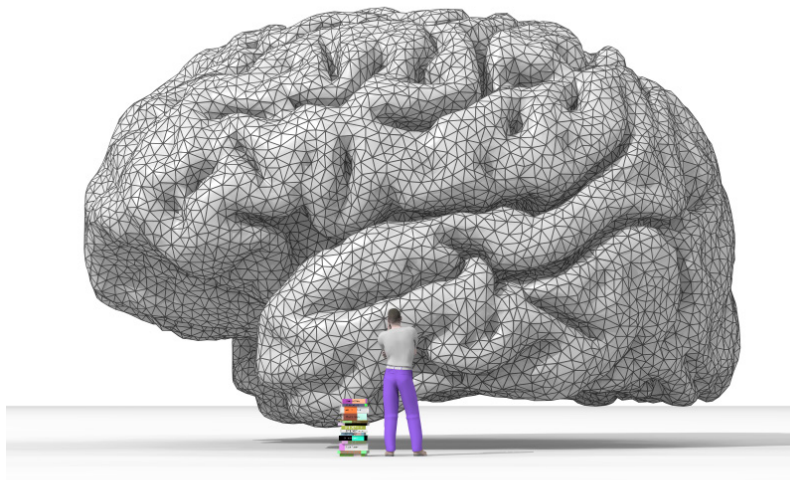
### نقش قشر پیش پیشانی (PFC)

بزرگترین منطقه در مغز انسان است که حدوداً یک چهارم تا یک سوم کورتکس را تشکیل می‌دهد و ارتباط قوی با ساختار لیمبیک دارد، که نقش مهمی در کنترل اجتماعی و عاطفی نشان می‌دهد (اسپنسر-اسمیت و اندرسون، ۲۰۰۹). توانایی‌های شناختی و اجتماعی پیچیده‌ای را برای ما فراهم می‌کند (چینی و هانگانو-اوپاتز، ۲۰۲۱) و نقش مهمی در کارکردهای اجرایی ایفا می‌کند، که شامل سازماندهی ورودهای حسی، حفظ توجه، برنامه ریزی، استدلال، درک زبان، حافظه کاری و هماهنگی رفتارهای هدفمند است، به عبارتی جنبه مهمی از آنچه ما در

شناخت "انسان" می‌پنداریم، به عملکرد PFC وابسته است (یوتون، ۲۰۱۸). نقش قشر پیش پیشانی (PFC) در میان سوالات بی‌پاسخ علوم اعصاب مدرن، مرکز اصلی را به خود اختصاص می‌دهد. این قشر ماهیتی دوگانه دارد: توانایی‌های شناختی و اجتماعی پیچیده‌ای را فراهم می‌کند که حداکثر بیان خود را در انسان دارند، با این وجود برخی از علائم ویرانگر اختلالات روانپزشکی را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، رشد مقدماتی مناسب برای بسیاری از توانایی‌های شناختی مرتبه بالا بسیار مهم است و بی‌نظمی این فرآیند با بیماری‌های مختلف اعصاب و روان مرتبط است (چینی و هانگانو-اوپاتز، ۲۰۲۱). فراخانی توجه، پشتکار، قضاوت، کنترل تکانه‌ها، سازمان‌دهی، مراقبت از خود و سرپرستی، مشکل‌گشایی، افکار انتقادی، دوراندیشی و یادگیری از طریق تجربه، توانایی احساس و ابراز هیجانات، تعامل با سیستم لیمبیک و همدلی (هم‌حسی) از کارکردهای PFC هستند.

**کورتکس پری‌فرونتال** مهم‌ترین ناحیه مغز در جریان تکامل است، این ناحیه که در قسمت قدامی کورتکس پیشانی قرار گرفته است، مسئولیت توانایی‌های شناختی گوناگون از جمله برنامه‌ریزی، حل مسئله و تصمیم‌گیری را بر عهده دارد (ونوک، ۲۰۱۸). مطالعات بزرگسالان نشان می‌دهد که اجرای EF به یکپارچگی ساختارها و





هیپوکامپ و سیستم لیمبیک بسیار مهم است.

### توسعه قشر پیش پیشانی (PFC)

کورتکس پیش پیشانی که نقش اساسی در عملکردهای مختلف شناختی دارد، در دوران کودکی با کاهش تراکم سیناپسی و عصبی، رشد دندریت‌ها و افزایش حجم ماده سفید تحت بلوغ قرار می‌گیرد. با این تغییرات عصبی-آناتومیکی، شبکه‌های عصبی ساختار مناسب را برای پردازش شناختی پیچیده خواهد یافت. سازمان‌دهی مدارهای کورتکس پیش پیشانی مغز برای به وجود آمدن کارکردهای اجرایی و اجتماعی-عاطفی خاص انسان بسیار حیاتی است. دانش و درک ما از مکانیسم‌های عصبی، مجموعه‌ای از شواهد در حال رشد است که به PFC به عنوان یک تنظیم کننده مرکزی اشاره می‌کنند. در کودکی، عملکردهای شناختی و عاطفی PFC در هماهنگی آشکار با بلوغ ساختاری آن رشد می‌کند. توسعه طولانی مدت کارکردهای اجرایی با تغییرات نوروفیزیولوژیک، به ویژه سیناپس زایی و میلین دار شدن در قشر پیش پیشانی همسو می‌شود (یوتون، ۲۰۱۸).

ماده سفید اضافه شده نشان دهنده افزایش ارتباط بین مناطق مغزی است که از هم دور هستند. در دوران کودکی و نوجوانی، بیشتر شبکه‌های مغزی به صورت محلی سازمان یافته‌اند به عبارتی برای انجام یک کار شناختی مناطق نزدیک به یکدیگر با هم کار می‌کنند. همانطور که بالغ می‌شویم، نواحی دورتر مغز با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند.

سیستم‌های پیشانی و به‌ویژه PFC متکی است (اسپنسر-اسمیت و اندرسون، ۲۰۰۹). این ناحیه نه تنها در رفتارهای عاطفی و اجتماعی درگیر است، بلکه هنگامی که رفتار توسط شرایط درونی یا اهداف هدایت می‌شود، کنترل اجرایی «از بالا به پایین» را فراهم می‌کند. بر این اساس، این فرآیند در یک سری فرایندهای شناختی مانند توجه، تشخیص نکات مهم و برجسته، حافظه کاری و کنترل بازداری درگیر است که خروجی نهایی همگی توانایی انطباق با شرایط مختلف و جابجایی بین وظایف است (چینی و هانگانو-اوپاتز، ۲۰۲۱).

هنگام بحث در مورد نقش کورتکس پری‌فرونتال، سایر مناطق مغزی از جمله گانگلیون پایه، تالاموس، ساقه مغز، هیپوکامپ، آمیگدالا و سایر مناطق نئوکورتیکال که با کورتکس پری‌فرونتال پیوندهای شدیدی دارند، نیز دارای نقش مهمی هستند. بنابراین، ارتباطات درونی کورتکس پری‌فرونتال با سایر مناطق، امکان پاسخ‌های عاطفی و سایر اطلاعات را فراهم می‌کند. PFC جانبی<sup>۲</sup> نیز در عملکردهای زبانی و کارکردهای اجرایی نقش دارد، در حالی که تصور می‌شود مناطق مداری و داخلی<sup>۳</sup> کورتکس پری‌فرونتال در پردازش و تنظیم رفتار عاطفی نقش دارند. PFC مداری جانبی<sup>۴</sup>، نواحی به هم پیوسته گانگلیون پایه و ناحیه حرکتی مکمل در بسیاری از ظرفیت‌های شناختی با هم کار می‌کنند (یوتون، ۲۰۱۸). به عبارتی برای کامل شدن بلوغ، توسعه هم در ساختار قشر پری‌فرونتال و هم در کیفیت اتصالات آن با بخش‌های دیگر از جمله



2- The lateral PFC

3- the orbital and medial regions of the PFC

4- The lateral orbital PFC

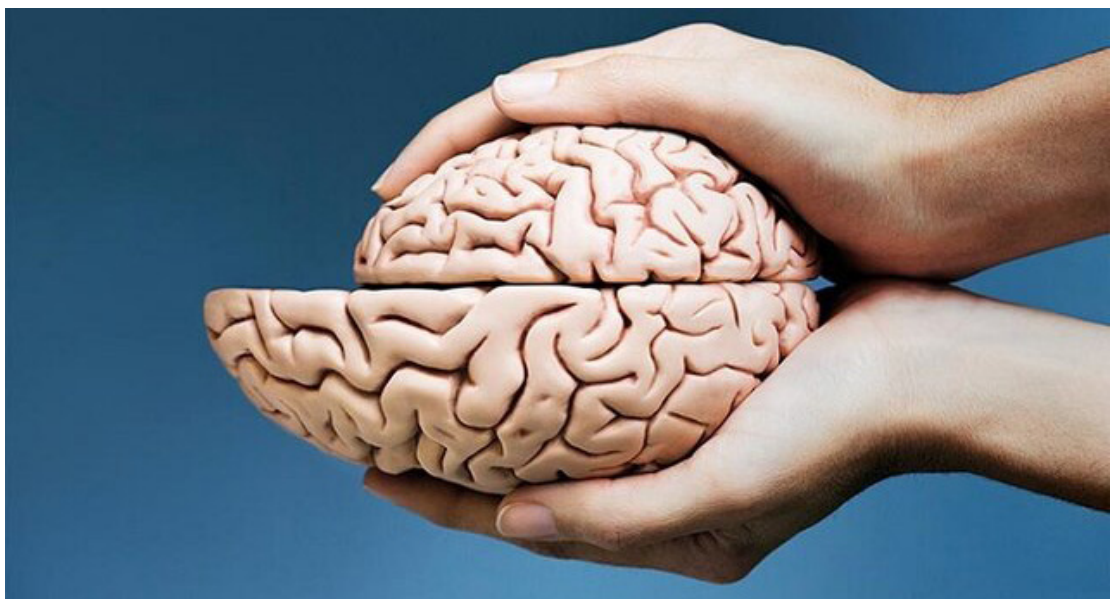
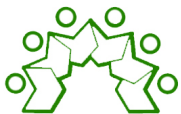
کنند و منجر به ایجاد شبکه های بزرگتر و گسترده تر می شوند (ونوک، ۲۰۱۸). در دوران کودکی و نوجوانی افزایش حجم در بخش سفید مغز دیده می شود، اما در بخش خاکستری ابتدا افزایش و سپس کاهش حجم مشاهده شده است (یوتون، ۲۰۱۸).

یکی از هیجان انگیزترین تغییرات در دوره نوجوانی، ایجاد ظرفیت بسیار بیشتر برای تفکر انتزاعی است و اینکه در مورد مفاهیم انتزاعی مانند دوستی و انصاف فکر کند. البته این تفکر انتزاعی هنوز محدودیت هایی دارد، صرفاً یک مفهوم «درست» در هر لحظه وجود دارد. بعلاوه نوجوانان در داشتن بیش از یک دیدگاه دارای محدودیت هستند. آنها می توانند خود را به جای شخص دیگری بگذارند، اما وقتی نیازهای آنها مبرم می شود، نیازهای دیگران از بین می رود.

با توجه به این محدودیت ها، روابط معمولاً اینگونه است: «شما به من فایده های میرسانید، و من هم به شما فایده های میرسانم.» که رابرت کگان این را تفکر «سودمندی» نامیده است. نوجوانان بیشتر و آسانتر تحریک می شوند، چه توسط چیزی که آنها را خوشحال کند، چه عصبانی کند

و یا هیجان زده کند. به عنوان مثال ممکن است آنها در واقع بیشتر اوقات با والدین بحث نکنند، اما وقتی آنها بحث می کنند، عصبانیت بیشتری نشان می دهند. نوجوانان همچنین تمایل بیشتری به شدت عاطفی و هیجانی، ماجراجویی و ریسک پذیری نشان می دهند که احتمالاً احساسات زیادی ایجاد می کند. توانایی تنظیم چنین احساساتی به طور موثر به طور معمول تا بزرگسالی به دست نمی آید، بنابراین معمولاً چندین سال بین شروع «شتاب دهنده» و ایجاد «ترمزهای» موثر فاصله است. «ما یک ماشین سوپرشارژ داریم که دارای یک راننده غیر ماهر است.» نوجوانی همچنین در نتیجه تغییرات هورمونی در بلوغ، افزایش حساسیت به الکل و سایر داروها، تغییر در چرخه خواب و تغییر در هورمون های مرتبط با خلق و خو ایجاد می کند. همه این تغییرات در تعامل هستند و به افزایش آسیب پذیری نوجوانان در برابر اختلالات خلقی و سایر انواع بیماری های روانی کمک می کنند (سیمسون، ۲۰۱۸).

وقتی یک نوجوان در سن بلوغ بین ده تا شانزده سالگی قرار می گیرد، از حساسیت پاداش کاسته می شوند و رفتارهای هیجان طلبانه آنها بیشتر





می‌د. زندگی روزمره ممکن است احساس جذابیت کمتری داشته باشد و برای جبران آن، نوجوانان به سمت تجربه‌های جدید تمایل می‌یابند تا کمی لذت و رضایت در خود احساس کنند. همانطور که قشر پیش‌پیشانی آنها اواسط دهه بیست بالغ می‌شود، مهارت‌های کارکرد اجرایی آنها مرتبط با بلوغ قشر پیش‌پیشانی رشد می‌کند. سپس، آنها بهتر می‌توانند سرعت تصمیم‌گیری را کاهش دهند و برای تعیین تأثیر مثبت و منفی احتمالی یک انتخاب از استدلال استفاده کنند. تا آن زمان، احتمال اینکه «در این لحظه اقدام کنند و بعداً فکر کنند» بسیار بیشتر است. امروزه بزرگسالان به دنبال حمایت از بزرگسالان جوان در تعدیل تکانشگری هستند (دانشگاه ماساچوست، ۲۰۱۸). مغز بین تولد و نوجوانی تغییرات زیادی دارد. در اندازه کلی رشد می‌کند، تعداد سلول‌های موجود در آن را تعدیل می‌شود و درجه اتصال تغییر می‌کند. ولی تغییرات پس از ۱۸ سالگی متوقف نمی‌شوند. در حقیقت، دانشمندان اکنون فکر می‌کنند که مغز همچنان به بلوغ ادامه می‌دهد. سوال اینجاست که بالاخره چه زمانی رشد مغز انسان کامل می‌شود؟ و نتیجه نهایی چه ویژگی خاصی دارد؟ (ونوک، ۲۰۱۸).

### اوایل بزرگسالی (۱۸ تا ۲۵ سالگی)

پژوهش‌های گسترده نشان می‌دهند که در اوایل بزرگسالی (young adults) تغییرات چشمگیری در ساختارهای اساسی تفکر و همچنین در مغز رخ می‌دهد. یک جوان در ۱۸ سالگی با ۲۵ سالگی یکی نیست، همانطور که یک فرد ۱۱ ساله با یک ۱۸ سالگی یکسان نیست. فکر، احساس و عمل آنها یکی به نظر نمی‌رسد (سیمسون، ۲۰۱۸). مهمترین ناحیه مغز که مدارهای عصبی آن در بزرگسالی تکمیل می‌شود کورتکس پیش‌پیشانی است. این

حوزه بسیاری از توانایی‌های شناختی سطح بالاتر ما مانند برنامه‌ریزی، حل مشکلات و تصمیم‌گیری را کنترل می‌کند. و همچنین برای کنترل شناختی مهم است - دارای توانایی سرکوب تکانه به منظور اقدامات مناسب‌تر است. در مقایسه با مغز یک نوجوان که هنگام تصمیم‌گیری بیشتر تحت تأثیر احساسات، پاداش‌ها و پذیرش اجتماعی قرار می‌گیرد، مغز یک بزرگسال مدارهای بهتری برای کنترل شناختی دارد (ونوک، ۲۰۱۸).

تغییرات در اوایل بزرگسالی بر اساس تغییراتی است که در دوره نوجوانی رخ داده است. در اوایل بزرگسالی تفکر پیچیده‌تر می‌شود که این امر در ریاضیات و علوم به طور مشهود به آنها کمک می‌کند، اما این توانایی در تفکر در مورد همه پدیده‌ها مانند ایده‌ها، ارزش‌ها و دیدگاه‌ها کاربرد دارد. آنها قادر به درک دیدگاه‌های متنوع می‌شوند. این قدرت تفکر به عنوان تغییر از چارچوب «درست / غلط» نوجوانی به یک چارچوب «چندگانه» است، که در آن بزرگسالان جوان می‌توانند بسیاری از نکات «را ببینند» دیدگاه داشته باشند، برای تنوع افراد و دیدگاه‌ها ارزش قائل شوند و بدانند که پاسخ‌های صحیح بسیاری برای یک مسئله وجود دارد. در ابتدا، به نظر می‌رسد که همه ایده‌ها از ارزش یکسانی برخوردار هستند. با گذشت زمان، شخص روشهایی را برای سازماندهی این تعدد، شناسایی ارزشها و دیدگاههایی که برایش بهتر کار می‌کنند پیدا می‌کند و میتواند به دیدگاههای دیگران احترام بگذارد. سرانجام، یک رویکرد «نسبی‌گرایانه» تر تکامل می‌یابد و روش‌هایی را برای منعقد کردن شخصی به ارزش‌های خاص در میان تنوع ایجاد می‌کند (سیمسون، ۲۰۱۸).

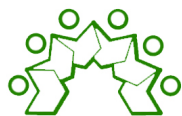
پژوهش‌ها نشان داده است که بلوغ روانی-اجتماعی تا بزرگسالی به شدت به توسعه کارکردهای اجرایی وابسته است. مطالعات اسکن

مغزی نشان داده است که مغز بزرگسالان جوان و بزرگسالان در مواجهه با پاداش احتمالی بسیار متفاوت پاسخ می دهند. نوجوانان سوگیری شدیدی نسبت به سود فوری دارند تا سود طولانی مدت. بزرگسالان جوان هم به طور معمول و هم به طور غیرمعمول به سوی تصمیم گیری تکانشی سوگیری دارند زیرا مهارتهای قضاوتی آنها هنوز در حال رشد است. به عنوان مثال، بزرگسالان جوان (young adults) بسیار بیشتر از بزرگسالان بزرگ (mature adults) جایزه ۵ دلاری برای انجام یک کار در امروز را انتخاب می کنند تا جایزه ۵۰ دلاری در هفته برای آینده. این به این دلیل است که با بالغ شدن مغز، مدارهای مغزی بیشتری برای سرکوب رفتارهای تکانشی به کار گرفته می شوند (دانشگاه ماساچوست، ۲۰۱۸).

در مقایسه با نوجوانان، بزرگسالان جوان بهتر می توانند دیدگاه های مختلف را به طور همزمان در نظر بگیرند. این به آنها امکان می دهد بر اساس مشاهده اینکه آنها به همان چیزها و وفاداری به موسسات مبتنی بر مشاهده ارزشهای یکسان اهمیت می دهند، با همسالان خود رابطه برقرار کنند. آنها همچنین می توانند انتقاد سازنده را درک کنند، درک می کنند که شخص مقابل قصد دارد مفید باشد، حتی اگر تأثیر آن در حال حاضر دردناک باشد. از تفکر و روابط «وسپلهای» که در بالا توضیح داده شد به سمت «اجتماعی تر» سوق پیدا میکنیم، جوانان بالغ تر از یک اصل مانند قانون طلایی عمل می کنند، «با دیگران طوری رفتار کنید که دوست دارید با شما رفتار شود.» آنها قدرت تنظیم عاطفی را به دست می آورند. از نظر ایمنی، بزرگسالان جوان به طور قابل توجهی ظرفیت بیشتری را برای ادغام فکر و احساسات به دست می آورند. آنها با داشتن توانایی نگه داشتن حال و آینده در عین حال روانی خود، می توانند

پاداش فوری را در برابر عواقب آینده بسنجند، و ترمزهای موثرتری را بر شدت عاطفی و احساس جستجو از زمان بلوغ افزایش دهند. با داشتن ظرفیت بیشتر برای فکر کردن در مورد عواقب آینده و تنظیم احساسات، بزرگسالان جوان راحت تر می توانند ریسک پذیری و تصمیم گیری در مورد آینده را انتخاب کنند، از جمله انتخاب در مورد سلامتی، روابط، تحصیلات و مشاغل. آنها همچنین می توانند تأثیر انتخاب های خود را بر دیگران موثرتر ارزیابی کنند (سیمسون، ۲۰۱۸).

مغز یک بزرگسال از جهات مختلف با مغز یک نوجوان تفاوت دارد. بین دوران کودکی و بزرگسالی، مغز درصدی از ماده خاکستری خود را از دست می دهد زیرا سلولهای عصبی اضافی و سیناپس ها هرس می شوند. سرعت از دست دادن ها در اواخر دهه ۲۰ کاهش می یابد. در همان زمان، برخی از مناطق مغزی ارتباطات خود را با یکدیگر تقویت می کنند، و دستگاه های اصلی عصبی در عایق میلین پیچیده می شوند، که ماده سفید مغز را افزایش می دهد. حجم ماده سفید در حدود ۴۰ سالگی به اوج خود می رسد (ونوک، ۲۰۱۸). ظهور یک مهارت جدید رشدی، مانند تفکر





## References

Chini. Mattia and Hanganu-Opatz. Ileana L (2021). Prefrontal Cortex Development in Health and Disease: Lessons from Rodents and Humans. Trends in Neurosciences, March 2021, Vol. 44, No. 3. <https://doi.org/10.1016/j.tins.2020.10.017>

Simpson. Rae. (2018). [YOUNG ADULT DEVELOPMENT PROJECT](http://hrweb.mit.edu/worklife/youngadult/index.html). MIT Center for Work, Family & Personal Life [rsimpson@mit.edu](mailto:rsimpson@mit.edu). <http://hrweb.mit.edu/worklife/youngadult/index.html>

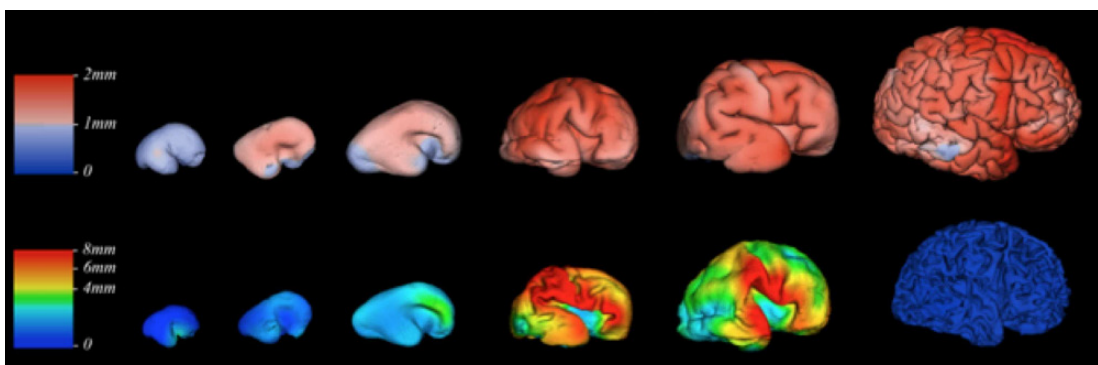
SPENCER-SMITH & ANDERSON. (2009). Healthy and abnormal development of the prefrontal cortex. Developmental Neuro rehabilitation.

University of Massachusetts (2018) What Were You Thinking? Brain Development in Young Adults

Uytun. C. M. (2018). Development Period of Prefrontal Cortex. <http://dx.doi.org/10.5772/intechopen.78697>

Wnuk. Alexis (2018). When the Brain Starts Adulting. <https://www.Brainfacts.org/2021/04/14>

چندگانه، به این معنی نیست که فرد همیشه از این مهارت استفاده می کند. در عوض، این یک گزینه جدید اضافه می شود، گزینه ای که در ابتدا فقط با پشتیبانی زیاد، احتمالاً در یک زمینه خاص، مانند یک موضوع دانشگاهی، قابل استفاده است. به تدریج آسان تر و آشنا تر می شود و از این رو در طیف وسیعی از تجربیات زندگی بیشتر استفاده می شود. نکته قابل تأمل این است که بعضی از افراد هرگز به طور کامل به این نقاط عطف نمی رسند. اگرچه در بزرگسالی جوان اگر همه چیز خوب پیش برود، رخ می دهد، اما به هیچ وجه اتوماتیک وجود ندارد و به دلیل تعدادی شرایط، از جمله بیماری روانی، می تواند آنها را به تأخیر بیاورد یا به شدت محدود کند. ناتوانی های یادگیری؛ استفاده مکرر از الکل یا سایر مواد مخدر؛ و سو استفاده، غفلت، محرومیت، خشونت و آسیب های دیگر (سیمسون، ۲۰۱۸). دانشگاه ماساچوست (۲۰۱۸) توصیه کرده به بزرگسالان جوان کمک کنید احساسات خود را مدیریت کنند. به آنها مهارت های مقابله با استرس و اضطراب را بیاموزید و برای ایجاد راهکارهایی برای درک واکنش آنها در برابر افراد و مکانهایی که با آنها روبرو هستند، کار کنید. این می تواند به آنها در توسعه مهارت های مراقبت از خود کمک کند.





# مطالب علمی تخصصی و متون بین المللی

■ ذهنی سازی: گامی فراتر از ارضای نیازهای اساسی

■ اهمیت بازی انفرادی و راهکارهایی برای تشویق

کودکان به این نوع بازی

## ذهنی‌سازی<sup>۱</sup>

### گامی فراتر از ارضای نیازهای اساسی



فاطمه دوست محمدی  
کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی  
دانشگاه الزهرا

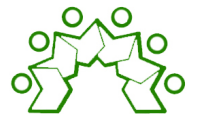
زمانی که تغییرات فیزیولوژیک و روانی، کودک را دچار وضعیت گیج‌کننده‌ای می‌کند، مادر با تظاهرات چهره‌ای و کلامی خود این حالات را به او بازخورد می‌دهد ( همچون خسته ای، عصبانی هستی، گرسنه‌ای و غیره) (اسلد و هولمز، ۲۰۱۹). به این صورت که مادر احساسات، امیال و خواسته‌های کودکش را در ذهنش نگه داشته و آن‌ها را به کودکش ارائه می‌دهد، تا اینگونه کودک تجارب درونی خود را از طریق بازنمایی مادر از آن کشف کند. این بازنمایی مجدد با روش‌های مختلف و در مراحل مختلفی از رشد کودک و ارتباط مادر-کودک رخ می‌دهد. مشاهده لحظه به لحظه مادر از تغییرات در حالت ذهنی کودک و بازنمایی او از این موارد ابتدا در حالات و عمل و بعدها در کلمات و بازی نشان داده می‌شود و منجر به توسعه ظرفیت‌های ذهنی‌سازی وی می‌شود (اسلد، ۲۰۰۵). بدین ترتیب زمانی که مادر این کار را برای کودک انجام می‌دهد، به کودک کمک می‌کند که وی بازنمایی از حالت درونی

مادر دست کودک را گرفته بود تا مبدا در شلوغی بازار گم شود. در این حین ناگهان پای کودک به سنگی برخورد می‌کند و کودک به زمین می‌افتد. در طی شلوغی بازار وقتی مادر متوجه افتادن کودکش می‌شود، بسیار خشمگین شده و در اثر عدم کنترل خود، شروع به کتک زدنش می‌کند و با القاب تحقیرآمیز (تو خیلی دست و پا چلفتی هستی و...) وی را مورد خطاب قرار می‌دهد. کودک به زحمت از زمین بلند می‌شود و با چشمانی تر و دلی سرشار از کینه و خشم به مادرش نگاه می‌کند. این بار، بار اولی هم نبود که این اتفاق در رابطه مادر و فرزند رخ می‌داد، قطعاً تا زمانی که مادر به نحوه برخورد و رفتار خود با کودکش آگاه نشود و مهارت‌های کنترل خشم را نیاموزد، همچنان به این رفتارهای نامناسب خود ادامه داده و بدین ترتیب زمینه آسیب‌های بیشتری را در آینده برای کودک خود ایجاد می‌کند و دنیا را برای کودک ناامن‌تر می‌کند.

ماجرایی که به آن پرداخته شد بخشی از دیالگویی است که بین برخی از مادران و کودکان رخ می‌دهد. در این تعامل دو طرفه حلقه مفقوده‌ای وجود دارد که در صورت بی‌توجهی به آن سلامت روان کودک مورد تهدید قرار می‌گیرد. مسئله‌ای که به آن ذهنی‌سازی یا منتالیزیشن می‌گویند.

در دوران کودکی اولیه، کودک برای اینکه بتواند حالت ذهنی خود را از حالت ذهنی دیگران تفکیک کند، نیاز به وجود نوعی عملکرد ذهنی دارد. در واقع

1- Mentalization



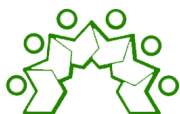
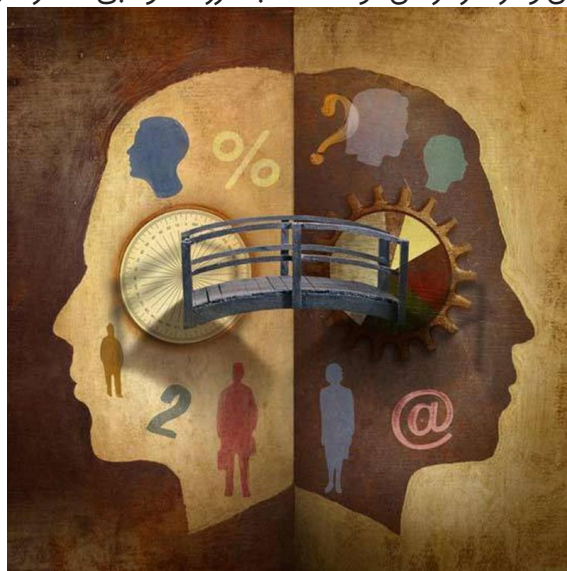
خودش در ذهن ایجاد کرده و آن را به عنوان حالت هیجانی برجسته گذاری کند (اسلد و هولمز، ۲۰۱۹). ذهنی‌سازی به توانایی درک خود و دیگران، به اصطلاح درک حالت‌های روانی همچون، احساسات، امیال، آرزوها، نگرش‌ها و اهداف اشاره دارد. ذهنی‌سازی ظرفیتی اساسی در محیط اجتماعی است و بدون این ظرفیت، ما کاملاً در دنیایی که توسط روابط بین فردی پیچیده و در حال تغییر تعیین می‌شود و به همکاری و درک متقابل بالایی نیاز دارد، گم خواهیم شد (فوناگی، لایتن و ایسن، ۲۰۱۴). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این ظرفیت در رابطه‌ای با دلبستگی ایمن شکل می‌گیرد. در مقابل اختلالات در روابط دلبستگی، به احتمال زیاد در تعامل با آسیب‌پذیری محیطی و ژنتیکی، با مشکلاتی در ذهنی‌سازی همراه است (فوناگی و همکاران، ۲۰۱۰). در ضمن مکانیسم اساسی که به ما امکان می‌دهد که اعمال و هیجانات دیگران را درک کنیم، فعال شدن سیستم نورون‌های آینه‌ای است (گالیسیت، کیسرز و ریزولاتی، ۲۰۰۴).

### ذهنی‌سازی مادرانه

ذهنی‌سازی مادرانه به ظرفیت مادر برای درک حالات ذهنی خود و کودکش و در نظر گرفتن کودک خود به عنوان یک عامل روانشناختی اشاره دارد. در تعاملات بین مادر-کودک، این ظرفیت به عنوان ذهنیت مادرانه شناخته می‌شود و می‌توان آن را به دو بعد تقسیم کرد: تعبیرهای مناسب و دیگری تعبیرهای ناسازگار از حالت‌های ذهنی نوزاد.

ذهنیت مناسب به تعبیرهایی اطلاق می‌شود که به نظر می‌رسد با رفتارهای نوزاد سازگار هستند، در حالیکه ذهنیت ناسازگار به تعبیرهای نامناسب اشاره دارد (یاتزیو، کیسلر و آتزابا پوریا، ۲۰۱۸). ظرفیت ذهنی‌سازی والدینی در طول یک پیوستار از فقدان ذهنی‌سازی، حالات پیش‌ذهنی‌سازی تا ذهنی‌سازی خوب و رشد یافته قرار دارد. همان‌طور که اشاره شد یکی از نقاط این پیوستار، حالات پیش‌ذهنی‌سازی شده است. در این حالت مراقبان قطعیت بیش از حدی در مورد حالت‌های ذهنی کودکشان از خود بروز می‌دهند و با ناتوانی در ورود به دنیای ذهنی کودک همراه است. والدین نایمن در دو ظرفیت تشخیص ابهام در حالات ذهنی و نشان دادن علاقه و کنجکاوی در مورد دنیای درونی کودک که شاخصه‌هایی از ظرفیت ذهنی‌سازی والدینی است، دچار مشکلاتی هستند (لایتن، نیجسنز، فوناگی و مایز، ۲۰۱۷).

همچنین، ظرفیت ذهنی‌سازی والدینی پایین دارای شکل‌های گوناگونی است، که از بین آن موارد به برخی از آن‌ها در اینجا اشاره می‌شود که شامل: دسته‌ای از والدین با ظرفیت ذهنی‌سازی پایین، از تجارب درونی کودک، درک اندکی دارند و نسبت به فرزند خود بی‌اعتنا رفتار می‌کنند. گروهی دیگر بر رفتار و شخصیت فرزند خود تمرکز دارند. گروهی دیگر اگر چه اضطراب فرزندانشان را توصیف می‌کنند اما در مورد آن فکر نمی‌کنند و برخی دیگر هم به انکار تجارب درونی خود از والدگری می‌پردازند (اسلید، ۲۰۰۵).

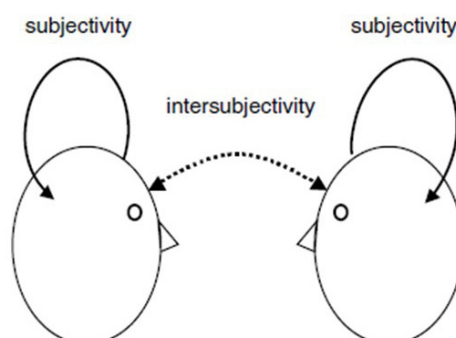


## ویژگی افراد دارای ظرفیت ذهنی‌سازی بالا

افرادی که دارای سطوح بالایی از ذهنی‌سازی هستند، به طور معمول در برابر شرایط استرس‌زا تاب‌آوری قابل توجهی را از خود نشان می‌دهند و اغلب، به هنگام مواجهه با ناملازمات قادرند به دیدگاه مفیدی در زندگی خود دست یابند (فوناگی، استیل، استیل، هایگت و تارگت، ۱۹۹۴). علاوه بر این آن‌ها ظرفیت‌های خوبی برای برقراری ارتباط دارند به عنوان مثال، توانایی پیوستن به دیگران برای مراقبت و کمک به آن‌ها (هاوسر، آلن و گولدن، ۲۰۰۶). این افراد به طور معمول ظرفیت خوبی برای کشف دنیای بیرونی و دنیای درونی خود را دارند. این امر اغلب در خلاقیتی مشخص؛ توانایی نمادسازی؛ توانایی تغییر دیدگاه در زندگی خود و دیگران؛ علاقه به رویاها، خیال‌پردازی‌ها، هنر و موسیقی؛ و علاقه به دنیای درونی افراد دیگر نمایان می‌شود. ذهن آگاهی نسبت به ذهن دیگران هم یکی از بهترین مشخصه‌ها در سطوح بالای ذهنی‌سازی است. افراد با ذهنی‌سازی، از امنیتی درونی برای کشف کردن و کلامی کردن حتی خاطرات و تجارب دشوار برخوردارند و به وضوح به این کار علاقه‌مند هستند (بیتمن و فوناگی، ۲۰۱۳).

## درمان مبتنی بر ذهنی‌سازی

درمان مبتنی بر ذهنی‌سازی (MBT)، توسط بیتمن و فوناگی در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. بیتمن و فوناگی ویژگی‌های اصلی این رویکرد را به صورت زیر



خلاصه کردند:

(۱) از درمانگر خواسته می‌شود که بر روی وضعیت فعلی بیماران (افکار، احساسات، آرزوها و امیال) با هدف ایجاد بازنمایی از حالات درونی وی تمرکز کند. (۲) از درمانگر خواسته می‌شود، تا در موقعیت‌هایی که بیمار از حالت‌های ذهنی صحبت می‌کند که نمی‌توان آن‌ها را با واقعیت پیوند داد، اجتناب کند. (۳) درمان فضایی انتقالی از رابطه ایجاد می‌کند که در آن افکار و هیجانات می‌توانند نقش داشته باشند.

(۴) قواعد اجتناب‌ناپذیر در طول دوره درمان، از نظر معنای ناهشیارشان تفسیر یا درک نمی‌شوند، بلکه با موقعیت و اثراتی که بلافاصله قبل از آن رخ می‌دهد، بررسی می‌شوند (فوناگی و بیتمن، ۲۰۰۶). علاوه بر این، موضع درمانی در ذهنی‌سازی درمانگر باید شامل موارد زیر باشد:

(۱) فروتنی ناشی از احساس عدم شناخت.

(۲) صبرکردن در طی زمان برای شناسایی تفاوت در دیدگاه‌ها.

(۳) مشروعیت بخشیدن و پذیرش دیدگاه‌های مختلف.

(۴) پرسیدن فعالانه از بیمار در مورد تجاربش (توصیف دقیقی از تجارب ارائه دهند (سوال چه چیز) به جای توضیح آن‌ها (سوال چرا) و دیگر موارد است (بیتمن و فوناگی، ۲۰۱۳).

## کلام آخر

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان سناریوی اول بحث را این‌طور با منتالیزیشن ارائه داد که: مادر دست کودک را گرفته بود تا مبادا در شلوغی بازار گم شود. در این حین ناگهان پای کودک به سنگی برخورد می‌کند و کودک به زمین می‌افتد. در طی شلوغی بازار وقتی مادر متوجه افتادن کودکش می‌شود، مادر چهره‌اش غمگین می‌شود و با

al lecture 1992 the theory and practice of resilience. *Journal of child psychology and psychiatry*, 35(2), 231-257.

Gallese, V., Keysers, C., & Rizzolatti, G. (2004). A unifying view of the basis of social cognition. *Trends in cognitive sciences*, 8(9), 396-403.

Hauser, S. T., Allen, J. P., & Golden, E. (2006). *Out of the woods: Tales of resilient teens* (Vol. 4). Harvard University Press.

Luyten, P., Mayes, L., Fonagy, P., & Van Houdenhove, B. (2009). The interpersonal regulation of stress. Unpublished manuscript, University of Leuven.

Luyten, P., Nijssens, L., Fonagy, P., & Mayes, L. C. (2017). Parental reflective functioning: Theory, research, and clinical applications. *The Psychoanalytic Study of the Child*, 70(1), 174-199

Slade, A. (2005). Parental reflective functioning: An introduction. *Attachment & human development*, 7(3), 269-281.

Slade, A., Holmes, J. (2019). Attachment and psychotherapy. *Current opinion in psychology*, 25, 152-156.

Yatziv, T., Kessler, Y., & Atzaba-Poria, N. (2018). What's going on in my baby's mind? Mothers' executive functions contribute to individual differences in maternal mentalization during mother-infant interactions. *PloS one*, 13(11), e0207869.

مهربانی دست کودک را می‌گیرد و او را از روی زمین بلند می‌کند و خاک‌های روی لباسش را با دست پاک می‌کند و هنگامی که دستانش را به آرامی در دستانش می‌فشارد به او می‌گوید که درک می‌کند که چقدر درد داشت و به او می‌گوید که این اتفاق برای همه افراد می‌تواند رخ دهد و اطمینان خاطر می‌دهد که کنارش خواهد ماند و در این شرایط هم مثل همیشه او را تنها نخواهد گذاشت. پس از گفتن این جملات کودک اشکهایش را پاک می‌کند و لبخندی از روی رضایت بر لبانش نقش می‌بندد و در ذهنش حسی از مادری در دسترس و ایمن شکل می‌گیرد.

## References

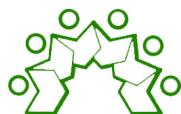
Bateman, A., & Fonagy, P. (2013). Mentalization-based treatment. *Psychoanalytic inquiry*, 33(6), 595-613.

Fonagy, P., & Bateman, A. W. (2006). Mechanisms of change in mentalization-based treatment of BPD. *Journal of clinical psychology*, 62(4), 411-430.

Fonagy, P., Luyten, P., & Allison, E. (2014). Teaching to learn from experience: Epistemic mistrust at the heart of BPD and its psychosocial treatment. Manuscript in preparation.

Fonagy, P., Luyten, P., Bateman, A., Gergely, G., Strathearn, L., Target, M., & Allison, D. E. (2010). Attachment and personality pathology. In In: Clarkin, JF and Fonagy, P and Gabbard, GO, (eds.) *Psychodynamic Psychotherapy for Personality Disorders: A Clinical Handbook*. (pp. 37-88). American Psychiatric Publishing: Arlington, VA.

Fonagy, P., Steele, M., Steele, H., Higgitt, A., & Target, M. (1994). The Emanuel Miller memori-



## اهمیت بازی انفرادی و

### راهکارهایی برای تشویق کودکان به این نوع بازی



هنگامه رضانی  
کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی  
دانشگاه الزهراء

#### مقدمه

حمایت کرده‌اند؛ افزایش رفتارهای سازگارانه مانند پاسخ‌دهی مناسب به موقعیت‌های جدید، افزایش تمرکز و تعمق در کودک، تسهیل خودمختاری و خوداظهاری و تقویت خلاقیت برخی از پیامدهایی هستند که به دنبال این نوع بازی ایجاد می‌شوند. گفته می‌شود که بازی انفرادی عملکرد خودنظم‌بخشی نیز دارد؛ کودکان در طی این بازی، بر وضعیت درونی خود متمرکز می‌شوند و طبق ادراک وضعیت درونی خود مثل کسل بودن و یا هیجان‌زده بودن، در جستجوی فعالیت‌های متناسب برای رسیدن به تعادل حیاتی برمی‌آیند که این موضوع در خودتنظیمی کودکان پیش‌دبستان نقش مهمی ایفا می‌کند (کتز و بوچهلز، ۱۹۹۹).

با وجود منافع ذکر شده، اما همه کودکان به این بازی‌ها نمی‌پردازند. گاه کودکان برای بازی کردن وابسته به دیگران هستند و نمی‌دانند که در اوقات تنهایی چگونه خود را سرگرم کنند. برخی از آن‌ها هنگامی که ناچارند زمانی را تنها باشند تا والدین و خواهر و برادرها به کارهای دیگر خود رسیدگی کنند، سردرگم و کلافه می‌شوند، و اگر این کودکان تک‌فرزند باشند وضعیت دشوارتر می‌شود. اما با توجه به اهمیت بازی‌های انفرادی در رشد روانی کودک و همچنین توجه به این موضوع که همه کودکان از توانایی سرگرم کردن خود برخوردار نیستند، مهم است تا ما به عنوان والدین و یا مربی آن‌ها را به سمت فراگیری این مهارت هدایت کنیم.

هرچند تعامل با همسالان و بزرگسالان برای رشد کودکان حیاتی است، اما متخصصان بیان می‌کنند که آنها به صرف زمانهایی تنها با خود نیز احتیاج دارند. در زمان تنهایی، کودک با اتکا به خود در قالب بازی مستقلانه به اکتشاف محیط می‌پردازد. بازیهای مستقلانه یا انفرادی که در زمان تنهایی کودک ظاهر می‌شوند، فرصتهایی را برای یادگیری فراهم می‌کنند. در این بازیها، کودک دوست و همبازی خودش می‌شود و احساس راحت بودن با خود را شکل می‌دهد؛ حسی که به او کمک می‌کند تا در دنیای بیرون، دوستانی پیدا کند که واقعاً از بودن با آنها لذت می‌برد، نه اینکه فقط به دنبال دوستانی باشد تا او را از تنهایی نجات دهند (ماتیا، ۲۰۰۵).

#### اهمیت بازی انفرادی

بازیهای انفرادی، از منظر فقدان تعاملات اجتماعی که تأثیری منفی بر کودکان پیش‌دبستان دارند، گاه مضر ارزیابی می‌شوند، اما برخی مطالعات نشان داده‌اند که می‌توانیم به بازی انفرادی یا مستقل در اندازه معمول و نه به شکل افراطی، به عنوان یک مهارت نگاه کنیم. این نوع از بازی به‌لحاظ رشدی بین سنین ۲ تا ۵ سال مناسب است (بیولی و پاونلی، ۲۰۱۸).

پژوهش‌ها از منافع برای بازی مستقلانه

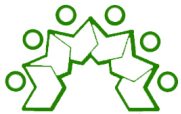
## چطور میتوان مهارت بازی انفرادی را در کودکان ارتقا بخشید؟

طبق پژوهشی که در سال ۲۰۱۸ انجام شد، به نظر میرسد که ارائه دستورالعملهای خاص نسبت به دستورات کلی در تشویق کودکان به انجام بازی مستقل مؤثرتر واقع شود. برای مثال والد یا مراقب کودک میتواند به جای ارائه این درخواست که «من باید مطالعه این کتاب را تمام کنم، لطفاً برو و با اسباببازیهایت بازی کن»، دستورالعمل جزئیتری را پیشنهاد کند؛ مانند: «اینجا چند تکه پازل داریم؛ تا من مطالعه کتابم را تمام کنم، تو دو تکه از آن را کامل کن». در واقع، کلام مراقب با محدود کردن تعداد اسباببازیها، کودک را در انتخاب اینکه چگونه خود را سرگرم کند یاری میرساند. این پژوهش توصیه کرده که مراقب پس از این دوره بازی مستقل، میتواند از جملهای خنثا چون «من مطالعه تمام کردهام، به نظر میرسد که تو سخت کار میکردی!» به عنوان تقویت مثبت

استفاده کند. این روش همچنین میتواند برای معلمها و یا مادرانی که لازم است دقایقی به دیگر کودکان رسیدگی کنند مفید واقع شود (بیولی و پاونلی، ۲۰۱۸).

یک روش دیگر برای افزایش طول مدت بازی مستقلانه، جایگزینکردن زماندار اسباببازیهای کودک است. داچ و همکارانش در پژوهشی در اینباره نتایج جالبی را منتشر کردهاند؛ طبق نتایج این تحقیق، زمانی که اسباببازیهای فراوانی (۱۶ اسباببازی) در دسترس کودکان بودند، آنها زمان کمتری بر هر وسیله بازی متمرکز میشدند و سعی میکردند تا در زمان اندک تمام وسیلهها را امتحان کنند. در موقعیت بعدی این پژوهش، وسایل بازی اضافی که باعث حواسپرتی کودک میشدند از محیط خارج شدند و تنها چهار وسیله بازی در دسترس او قرار گرفتند. در این موقعیت مشاهده شد که آنها تمرکز بیشتری بر اسباببازیهای پیش رو پیدا کردند و هر وسیله را به روشهای گوناگونی بهکار بردند، که این کنجکاوی و خلاقیت بیشتری

۲۳



فصل نامه راهبرد

نشریه علمی دانشجویی  
روانشناسی تربیتی  
سال ۹، شماره ۳۱





## References

Beaulieu, L., & Povinelli, J. L. (2018). Improving solitary play with a typically developing preschooler. *Behavioral Interventions*, 33(1).

Katz, J. C., & Buchholz, E. S. (1999). I did it myself: The necessity of solo play for preschoolers. *Early Child Development and Care*, 155, 39–50. <https://doi.org/10.1080/0030443991550104>

Mattia, N. (2005, Octobr 3). The Value of Solo Play. Retrived from <https://www.parents.com/baby/development/intellectual/the-value-of-solo-play/>

O'Connor, E., & Neuhaus, R. (2021, March 3). Simple Ways to Encourage Independent Play. Retrived from <https://www.psychologytoday.com/intl/blog/scientific-mommy/202103/simple-ways-encourage-independent-play>

را نمایش میداد. بنابراین والد میتواند در هر دور بازی تعداد کمی از وسایل بازی را در دسترس کودک و بقیه را در گنجه قرار دهد، بدین ترتیب محرکهای پرتکننده حواس کودک، بیرون از محیط بازی او هستند و او از طریق کشف تمامی شیوههایی که میتواند با یک وسیله سرگرم شد، زمان بیشتری را صرف دستکاری یک وسیله و بازی عمیقتر و خلاقانهتر با آن میکند (داچ، ایموال، اکازیو و متز، ۲۰۱۸؛ نقل شده در اکانر و نیوهاوس، ۲۰۲۱).

این راهکارها بهمنظور تشویق کودک به بازی انفرادی هم برای خود او مفید است و هم کمکی برای والدین فراهم میکند تا پس از صرف زمان با کیفیت برای همراهی در بازی با کودکان، بتوانند از بازی خارج شده و به کارهای دیگر بپردازند، اما فراموش نکنیم که چنانچه شاهد بودیم کودک بهطور افراطی به بازیهای انفرادی مشغول است و حتی زمانی که همبازیهایی در دسترس او هستند، همچنان مایل است که ساعاتی طولانی به دور از جمع و به تنهایی بازی کند، این یک پدیده طبیعی نیست و لازم است تا از یک مشاور کودک برای بررسی و مداخله کمک گرفته شود.



۲۵



فصل نامه راهبرد

نشریه علمی دانشجویی  
روانشناسی تربیتی  
سال ۹، شماره ۳۱



چهارسوق

معرفی مراکز فعال



■ اینجا چهارسوق است!

محلی برای داد و ستد، اما از جنس تعلیم و تربیت!

## اینجا چهارسوق است!

### محلی برای داد و ستد، اما از جنس تعلیم و تربیت!



مریم رئیسی  
دانشجوی ارشد روان شناسی تربیتی  
دانشگاه الزهراء

#### چهارسوق چیست؟

همانگونه که می‌دانید به محل تقاطع دو راسته اصلی بازار چهارسوق می‌گویند. اهمیت چهارسوق به موقعیت ویژه ارتباطی آن برمی‌گشت. آخرین اخبار و رویدادها در چهارسوق بین مردم رد و بدل می‌شد و مراودات اجتماعی شهر در چهارسوق شکل می‌گرفت. رویداد نوآوری‌های آموزشی چهارسوق محلی برای شبکه‌سازی، انتقال تجربیات نوآورانه بومی، تقویت انگیزه‌های تحولی و امید به آینده در میان فعالان تعلیم و تربیت است.

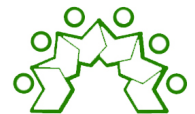
چهارسوق، اجتماعی است برای تجلی حرکت‌های امیدبخش و نوآورانه آموزشی و تربیتی؛ محلی برای اشتراک‌گذاری ایده‌ها و تجارب. چهارسوق شبکه فعالان تحول‌خواه تعلیم و تربیت است برای شبکه‌سازی و هم‌افزایی میان معلمان، دانشجویان، مدیران، فعالان فرهنگی، مدارس، مؤسسات، اهالی رسانه و حتی دانش‌آموزان و والدین دغدغه‌مند در حوزه تعلیم و تربیت.

نسل جدید معلمان، محیط‌های یادگیری را با روش‌های ابتکاری و دوست‌داشتنی مدیریت می‌کنند. مجموعه‌های نوپا، با نوآوری‌های جذاب روش‌های تربیت و یادگیری را کارآمدتر کرده‌اند. پژوهش‌گران و متفکرین دغدغه‌مند، به دنبال یافتن پاسخ‌های مؤثر برای مسائل نظام تعلیم و تربیت هستند. الگوهای آموزشی و تربیتی نوین بومی، در شهرها و روستاهای مختلف کشور سر برآورده‌اند؛

و زنان و مردانی بزرگ، با عزمی راسخ فرصت‌هایی کم‌نظیر برای رشد کودکان در روستاهای دورافتاده و مناطق صعب‌العبور فراهم آورده‌اند.

#### چهارسوق در یک نگاه

«چهارسوق» در سال ۱۳۹۲ توسط جمعی از معلمان و فعالان حوزه آموزش برای ارائه تجارب بومی تعلیم و تربیت در قالبی شایسته و تأثیرگذار متولد شد. شعار چهارسوق، «هم‌افزایی برای تحول در آموزش» است؛ یعنی «شناسایی، شبکه‌سازی و توان‌مندسازی فعالانی که در حال شکل‌دهی به تجربه‌ها و نظریه‌های بومی تعلیم و تربیت هستند». چهارسوق به تدریج رشد کرده و اکنون به کانون شکل‌گیری یک شبکه مردمی گسترده و اثرگذار در حوزه آموزش تبدیل شده است. چهارسوق در حال حرکت به سوی شکل‌دهی جامعه فعالان تحول‌خواه تعلیم و تربیت است. جامعه چهارسوق از اعضای حقیقی و حقوقی متنوعی تشکیل شده که دغدغه مشترک‌شان، تحول‌خواهی بومی در نظام آموزشی است. چهارسوق در این مسیر ضمن تأکید جدی بر پذیرش تنوع دیدگاه‌ها، به‌طور کلی به مبانی بومی و اسلامی در تعلیم و تربیت توجه دارد و اسناد بالادستی مرتبط با نظام تعلیم و تربیت را به‌عنوان چهارچوب‌های کلان در مسیر این حرکت مدنظر قرار می‌دهد.



## مخاطبین چهارسوق

شرکت در چهارسوق برای عموم افراد آزاد است. اما مخاطب خاص چهارسوق اقشاری چون: معلمان و مربیان، مدیران و کادر مدارس، طلاب و دانشجویان علاقه‌مند، پژوهشگران تعلیم و تربیت، اساتید حوزه و دانشگاه، فعالان فرهنگی، مؤسسات، مدیران و کارشناسان نهادهای تعلیم و تربیتی، اهالی رسانه و حتی دانش‌آموزان و والدین دغدغه‌مند در حوزه تعلیم و تربیت هستند.

## دوازدهمین رویداد چهارسوق در اسفندماه ۱۳۹۹

دوازدهمین «رویداد نوآوری‌های آموزشی چهارسوق» با توجه به شیوع بیماری کرونا به صورت مجازی برگزار شد. سخنرانی نقش‌آفرینان حوزه تعلیم و تربیت در قالب ویدئوهای ضبط شده، پرسش و پاسخ در بسترهای تعاملی مجازی، فعالیت‌های شبکه‌سازی و پنل‌های تخصصی با موضوعات و مسائل روز تعلیم و تربیت، از برنامه‌های دوازدهمین رویداد نوآوری‌های آموزشی چهارسوق بودند.

## شبکه‌سازی، مهمترین هدف رویداد چهارسوق

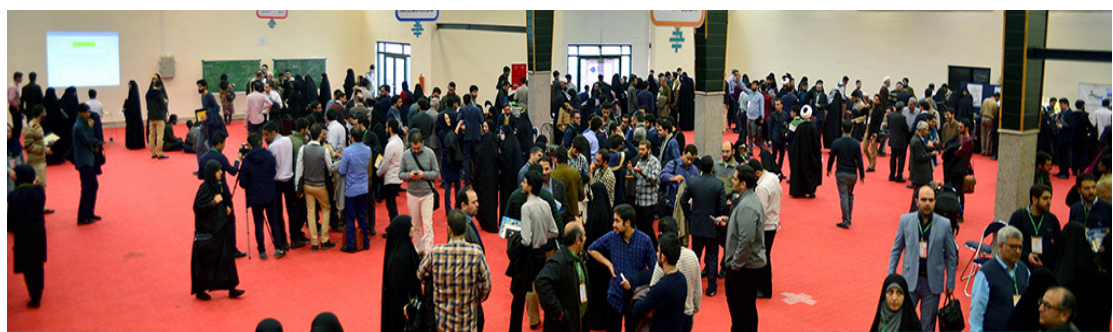
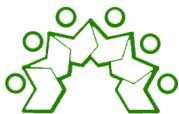
شبکه‌سازی به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین اقداماتی که برای تشکیل و استمرار یک جامعه مورد نیاز است، به‌عنوان فعالیت محوری رویداد چهارسوق مورد توجه قرار دارد.

## هدهد و حجره‌ها در چهارسوق دوازدهم، دو ابزار

### برای شبکه‌سازی

**هدهد:** هدهد بستر شبکه‌سازی در چهارسوق دوازدهم بود، که به جهت مجازی بودن رویداد، تحقق هدف مهم برقراری ارتباط بین شرکت‌کنندگان رویداد را بر عهده داشت. در این نرم‌افزار، پس از ایجاد پروفایل برای شرکت‌کنندگان چهارسوق، نام کاربری و رمز عبور برای آنها ارسال شد تا وارد هدهد شوند. این بستر (platform) از امکانات مختلفی برخوردار بود چون: ارتباط متخصصین و علاقمندان تعلیم و تربیت با یکدیگر، پرسش و پاسخ با ارایه‌کنندگان رویداد و تسهیلگران، تشکیل گروه‌های استانی برای بررسی مسائل هر استان، ایجاد دسته‌بندی‌های موضوعی بر اساس علاقه و دغدغه‌های افراد و ارتباط افراد هم‌دغدغه با یکدیگر و ...

**حجره‌ها:** دیگر ابزاری که در رویداد دوازدهم از آن استفاده شد حجره‌های چهارسوق بودند. در چهارسوق یازدهم فضای نمایشگاهی، بستر ارتباط میان افراد و نهادهای پیشرو حوزه تعلیم و تربیت را فراهم می‌کرد. امکان معرفی مدرسه‌ها و مجموعه‌های نوآور و برقراری ارتباط شرکت‌کنندگان چهارسوق با این نهادها در چهارسوق دوازدهم توسط حجره‌ها فراهم شد. حجره‌به‌شرکت‌کنندگان حقوقی (رسمی یا غیررسمی) تعلق می‌گرفت که آنها با تهیه حجره در فضای شبکه‌سازی چهارسوق (هدهد) این امکان را داشتند که انواع محتوا را در قالب متن، تصویر، کاتالوگ و حتی فیلم در حجره





خود در معرض دید شرکت‌کنندگان علاقه‌مند قرار دهند. همچنین شرکت‌کنندگان می‌توانستند با حساب رسمی آنها ارتباط برقرار کنند و پرسش‌های خود را طرح کرده و درباره پیشنهادهای خود با مجموعه‌ها و موسسات تعامل حرفه‌ای داشته باشند. برای مثال مدارس می‌توانستند از طریق حجره خود با معلمانی که علاقه‌مند به فعالیت در مدرسه‌شان هستند ارتباط بگیرند، یا به تعامل حرفه‌ای با مدارس دیگر بپردازند، یا موسسات پژوهشی قادر بودند فعالیت‌های خود را به دانشجویان و پژوهشگران معرفی نموده و از فرصت تعامل حرفه‌ای با یکدیگر بهره‌مند شوند.

### ارائه‌های چهارسوق

رویداد چهارسوق با حضور صدها شرکت‌کننده از سراسر کشور، بزرگترین گردهمایی مردمی فعالان تعلیم و تربیت کشور است. بخش سخنرانی‌های چهارسوق همواره یکی از بخش‌های جذاب و پرطرفدار آن بوده است. سخنرانی‌های چهارسوق در زمانی حدوداً ۱۵ دقیقه ارائه می‌شوند. پیش از برگزاری رویداد تلاش می‌شود با راهبری مناسب سخنرانان، محتوا و شیوه ارائه به‌گونه‌ای تنظیم شود که ارزش، جذابیت و ایجاد انگیزه در مخاطب را همراه داشته باشد. سخنرانان چهارسوق از میان افرادی انتخاب می‌شوند که در حوزه تعلیم و تربیت دارای نظریه، تجربه یا ایده بومی نوآورانه، ارزشمند و امیدبخش باشند. در رویدادهای چهارسوق، ده‌ها سخنرانی توسط طیف وسیعی از افراد مرتبط با

حوزه آموزش نظیر معلمان موفق، مدیران ارشد نظام آموزشی، اساتید دانشگاه، نویسندگان و طراحان ارائه شده است. انتخاب سخنرانان از طریق فراخوان عمومی و نیز جستجو در جامعه فعالان تعلیم و تربیت صورت می‌گیرد.

در رویداد دوازدهم چهارسوق، ۱۲ سخنرانی ارائه شد. در ادامه اشاره‌ای به دو نمونه از آنها خواهیم داشت:

### مری مطمن در راهبردی زیرکانه!

#### سخنران: اردوان مجیدی

- پژوهشگر و معمار سیستم در حوزه تعلیم و تربیت و برنامه درسی
  - طراح رویکرد مدرسه‌ای و معماری برنامه درسی حکمت
  - پژوهشگر و معمار در حوزه معماری نظام‌های نهادی اجتماعی، سازمانی و نرم افزاری
- وقتی مری به جای بچه‌ها فکر می‌کند و با تمام جزئیات از قبل پیش‌بینی شده، مرحله به مرحله طبق برنامه و مطالب کتاب درسی، جلو می‌رود، بهتر عمل می‌کند؟ یا وقتی فقط در نقش یک رهبر ظاهر می‌شود، و با آرامش و در عین حال زیرکی، بچه‌ها را درگیر خود یادگیری می‌کند، مطالب را بر اساس شرایط پیش آمده با آرامش تحلیل می‌کند، و از میزان درگیر شدن بچه‌ها و صحبت‌هایشان، برای تعیین مسیر بعدی بحث استفاده می‌کند؟ در این ارائه، فقط به یکی از ابعاد ماجرای مری‌گری زیرکانه، وارد می‌شویم: ارزشیابی زیرکانه. با توجه به درگیر شدن همه‌مان در فضای فناوری در شرایط کرونا، ادامه بحث را از منظر توسعه فناوری دنبال می‌کنیم.



این ارائه هم برای مربیانی که دوست دارند مشی زیرکانه‌ای را در مربی‌گری با طمانینه دنبال کنند و هم برای توسعه دهندگان سکوه‌های نرم‌افزاری آموزشی، نکات جذاب، جدید و نوآورانه‌ای را در بر دارد.

### من می‌خواهم بخوانم! سخنران: فرزانه شهرتاش

- نویسنده، پژوهشگر، مترجم، ویراستار و ناشر ۸۰ اثر در حوزه آموزش کودکان
- منشی شاخه رسمی فلسفه برای کودکان در آسیا و اقیانوسیه
- ناشر و مدیر انتشارات آموزشی شهرتاش از سال ۸۰ تا کنون
- دکتری تعلیم و تربیت اخلاقی، شاخه فلسفه برای کودکان، دانشگاه ملی جیونگ سانگ کره جنوبی

در چهارسوق دوازدهم، فرزانه شهرتاش از یافته‌های خود پیرامون سن مناسب برای شروع سوادآموزی گفته است. یافته‌هایی که از نگاه ایشان آنقدر با اهمیت و ارزشمند بود که ارزشش را داشت جانی بر کف گرفته شود و در ایام شیوع کرونا، با وجود همه مشکلات به میدان بیایند تا آن‌ها را به گوش کسانی که باید برسانند. اهالی آموزش همواره نام ایشان را گره خورده به نام کودکان شنیده‌اند. کودک، تفکر و فلسفه... تسهیلگر تمامی تسهیلگرانی که در نقطه‌ای به نام کودک با ایشان اشتراک دغدغه‌مندان‌ای داشته‌اند. باشد که در آینده‌ای نه چندان دور، اهالی آموزش هنگام ورق زدن صفحات تاریخ چهارسوق، در آخرین سال از قرن چهاردهم هجری لبخندی از جنس رضایت بر لب‌هایشان بنشیند و تصویب طرح تغییر سن سوادآموزی کودکان را در دلشان جشن بگیرند و یادشان بیاید یک روز فرزانه شهرتاش در چهارسوق به نمایندگی همه کودکان چهارساله فریاد زد: من می‌خواهم و

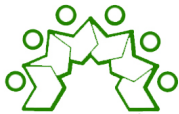
می‌توانم پس می‌خوانم.

### کلام آخر:

رویداد نوآوری‌های آموزشی چهارسوق با دغدغه و تلاش جمعی از جوانان فعال در حوزه تعلیم و تربیت و با همراهی افراد و نهادهای فعال در حوزه فرهنگ و تربیت شکل گرفت و به یاری خدای بزرگ بالندگی و اثربخشی آن ادامه خواهد داشت. هم‌اکنون پس از حدود ۸ سال، چهارسوق با سرمایه‌ای شامل نیروهای خبره و دغدغه‌مند، تجربیات ناب و ارزنده، شبکه ارتباطی گسترده و متنوع از صاحب‌نظران و نهادهای فعال در حوزه تعلیم و تربیت و دارا بودن اعتبار قابل توجه در جامعه تعلیم و تربیت کشور، در آستانه پرواز به سوی افقی بلندتر قرار دارد. و در طی این مسیر امیدبخش، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند یاری و همراهی همه دغدغه‌مندان است. پس هرکدام از شما عزیزان که خواستار تحولی در نظام آموزش و پرورش کشور هستید جایتان در چهارسوق خالیست! منتظر دیدار شما در دوره‌های آتی چهارسوق هستیم!

برای کسب اطلاعات بیشتر و برقراری ارتباط با برگزارکنندگان می‌توانید به سایت چهارسوق به نشانی [www.chaharsoogh.ir](http://www.chaharsoogh.ir) و صفحه اینستاگرام چهارسوق به نشانی [chaharsoogh\\_edu](https://www.instagram.com/chaharsoogh_edu) مراجعه فرمایید.

۲۹



فصل نامه راهبرد

نشریه علمی دانشجویی

روانشناسی تربیتی

سال ۹، شماره ۳۱





# معرفی کتاب

■ **فراساخت کاربردی**  
در حوزه‌های یادگیری، آموزش و جمعیت‌های مختلف

۳۰



فصل نامه راهبرد

نشریه علمی دانشجویی  
روانشناسی تربیتی  
سال ۹، شماره ۳۱

## فراشناخت کاربردی

### در حوزه‌های یادگیری، آموزش و جمعیت‌های مختلف



نفیسسه سادات نکویی  
دانشجوی ارشد روانشناسی تربیتی  
دانشگاه الزهراء

#### Applied metacognition

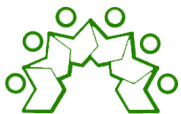
نویسنده: تیموتی ج. پرفکت، بنت ل. شوارتز

مترجمان: نادر آزادصفت، حسین کارشکی

انتشارات: ارجمند

با توجه به اهمیت فراشناخت در حوزه‌های گوناگون زندگی، آموزش، تربیت و درمان در سنین مختلف، وجود آثاری غنی با پشتوانه علمی و در عین حال ساده و کاربردی مورد نیاز است. کتاب حاضر نیز اثر ارزشمند در حوزه‌ی فراشناخت کاربردی است که با تلاش نویسندگان این اثر، کاربردهای فراشناخت در حوزه‌های یادگیری، آموزش، زندگی و جمعیت‌های مختلف مورد توجه و ارزیابی قرار گرفته است و راهکارهای ارزشمندی را ذکر کرده‌اند که بتواند مورد استفاده دانشجویان، درمانگران، مشاوران و معلمان قرار گیرد. مطالعه این کتاب همچنین می‌تواند کاربرد پژوهشی داشته باشد و در طراحی بسته‌های آموزشی و درمانی نیز مورد استفاده پژوهشگران این حوزه قرار گیرد. لازم به ذکر است این کتاب شامل سه بخش است: بخش اول فراشناخت در یادگیری و آموزش، بخش دوم: فراشناخت در حافظه روزمره و بخش سوم: فراشناخت در جمعیت‌های مختلف. امید است مطالعه این کتاب سطح دانش و آگاهی علاقمندان این حوزه را ارتقا بخشد و در مسیر کسب و توسعه علم مفید واقع شود.

۳۱

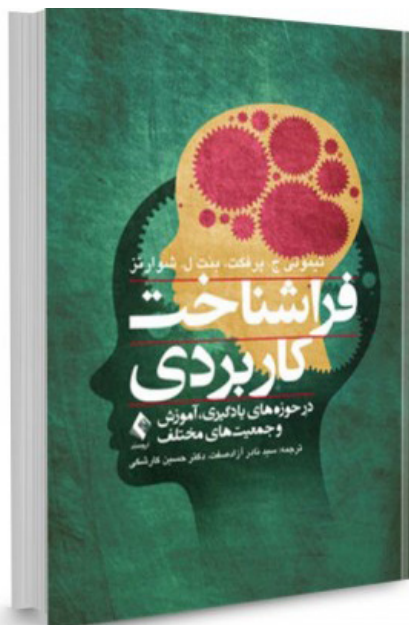


فصل نامه راهبرد

نشریه علمی دانشجویی

روانشناسی تربیتی

سال ۹، شماره ۳۱







# معرفی / نقد و ارزیابی فیلم

تحلیل مستند

«People Republic of Desire 2018»

۳۲



فصل نامه راهبرد

نشریه علمی دانشجویی  
روانشناسی تربیتی  
سال ۹، شماره ۳۱

شهبلا زورمند بناب و سیده سیما سیادتی  
دانشجویان ارشد روان شناسی عمومی  
دانشگاه علامه طباطبایی



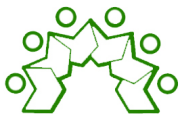
تبدیل شده است. هنرمندان این دنیای مجازی با ارائه هنر خود مانند رقص، آواز خواندن، سخنرانی و... می‌توانند در یک ماه چیزی حدود ۱۵۰ هزار دلار آمریکا کسب درآمد کنند. در مستند "People Republic of Desire" که ما قصد تحلیل آن را در مقاله‌ی حاضر داریم این موضوع کاملاً مشهود است. موضوع مستند حول دو شخصیت خواننده کم‌دین، کارگر مهاجر به دنبال شهرت و ثروت که هردو برای ارتباط با سایر انسان‌ها در فضای مجازی تلاش می‌کنند، می‌چرخند. که به طور کلی هردو نمادی از یک جامعه بزرگتر متأثر از دنیای مجازی هستند. ما نیز در این مقاله با دید وسیع‌تر به دنبال تحلیل روانشناختی شخصیت‌های حاضر در این مستند (تماشاگران لایو استریم‌ها، ستارگان دنیای مجازی و حمایت‌کنندگان مالی ستارگان) بر اساس رویکرد روانشناسی اجتماعی هستیم.

### تحلیل تماشاگران

با توجه به رشد روزافزون نشریات و تیتروهای جنجالی، می‌توان گفت که ما همیشه علاقه جنون‌آمیزی به سرک کشیدن در زندگی دیگران داریم و این تمایل، به خصوص در مورد بخش‌هایی از زندگی آنها وجود دارد که یا شکر می‌کنیم که هرگز آن را تجربه نکرده یا که دوست داریم بخشی از آن باشیم. البته ما از ابتدای امر اینگونه نبوده‌ایم بلکه این علاقه را در ما ایجاد کرده اند؛ در سال

حدود دویست سال می‌شود که بین انسان و کارهایش شکافی عمیق افتاده است. اما اندازه‌ی این شکاف، تنها به اندازه یک دکمه است. پیش‌تر، انسان‌ها بی‌واسطه در متن کارشان حضور داشتند و با لمس اشیای اطرافشان، جهان را تغییر می‌دادند. اما حالا چه؟ به کارهای روزمره‌تان نگاه کنید: در آسانسور، دکمه‌ای را فشار می‌دهیم و بالا می‌رویم. دکمه‌های کیبورد را فشار می‌دهیم و متنی نوشته می‌شود. حتی برای ابراز علاقه و نفرت هم به دکمه محتاجیم؛ «لایک‌ها دکمه‌اند و بمب‌های اتم نیز با دکمه پرتاب می‌شوند!» تجدید نظر درباره‌ی نقش دکمه‌ها خیلی به موضوع درستی یا نادرستی آنها مربوط نمی‌شود، بلکه نگاهی فراتر از عملکرد شمایی آنها در فرهنگ و گفتمان عامه دارد. تغییر جهت تمرکز از این‌که آیا دکمه‌ها باید وجود داشته باشند، به اینکه چطور از نظر اجتماعی و فنی از نظر خاص عمل می‌کنند، تغییر یافته است و قلمرویی از سوالات جدید درباره تعاملات ارتباطی در دنیایی که به سیاست و مزایای مربوط به فشار دادن دکمه حساس است، می‌گشاید (نیکلاس و همکاران، ۱۳۹۸).

از این رو به عنوان نسلی که شبکه‌های اجتماعی در تمام زمینه‌ها ارجحیت داده می‌شود، به تدریج ارتباطات مجازی جایگزین ارتباط‌های انسانی خواهد شد. کشور چین از جمله کشورهای پیش‌تاز در این زمینه است. در این کشور لایو استریم به محبوب‌ترین سرگرمی آنلاین صدها میلیون نفر





# REPUBLIC OF SIRE

PIN ALL YOUR HOPES ONLINE?

VICE (ITVS) WITH FUNDING PROVIDED BY THE CORPORATION FOR PUBLIC BROADCASTING  
GRAPHICS, ANIMATION AND VISUAL EFFECTS BY ERIC JORDAN ORIGINAL SCORE MICHAEL TULLER  
D AND EDITED BY HAO WU

TRIBECA FILM INSTITUTE

Council on the Arts

cpb

SIRE. FILM

ALL RIGHTS RESERVED

۱۹۶۰ این‌طور نبود که داستان‌هایی در مورد به اصطلاح زندگی مشاهیر و ثروتمندان فوراً و شدیداً کنجاوی ما را تحریک کند، در حالی که امروزه احتمالاً زمانی که بسیاری از ما برای پیگیری زندگی ستاره‌ها صرف می‌کنیم، بسیار بیشتر از زمانی است که باعث اخت شدن با اخبار مشروع اختصاص می‌دهیم. این وضعیت هر چند ممکن است بی‌ضرر باشد اما مطمئناً خود به خود ایجاد نشده است و ما یک شبه گرسنه اطلاعات خصوصی زندگی جنسی ستاره‌ها و واکاوی لباس‌هایشان برای دیدن مارک آن‌ها یا پیگیری این که دیشب در کدام کافه می‌گساری می‌کردند، نشده‌ایم (کشمور، ۱۳۹۶).

چه خوشمان بیاید و چه خوشمان نیاید، فرهنگ شهرت با ماست؛ این فرهنگ، تفکرات، روش برخورد، سبک و رفتارمان را شکل می‌دهد. این فرهنگ نه تنها به وسیله هواداران دوآتشفه بلکه به واسطه کل جمعیتی که زندگی آنها از جامعه تولیدکننده به جامعه مصرف‌کننده و متناظر آن، از مصرف‌کننده صرف به مصرف‌کننده آرزومند تغییر یافته، تحت تاثیر قرار می‌گیرد (براتی، کولدریف، ۱۳۹۴). بنابراین ما به طرز فزاینده در بند افراد مشهوری قرار می‌گیریم که بدون پرسش از چرایی آن، به صورت جدی خودمان را وقف آنها می‌کنیم. ما به ندرت از خودمان پرسیده ایم: چرا دلم می‌خواهد در مورد این شخص بدانم؟ یا اصلاً چرا این شخص مشهور شد؟ عبارت «مشهور است چون شهرت دارد»، زمانی یک طنز همان گویانه بود اما در نهایت تبدیل به تبیینی منطقی برای چرایی عزیزدردانه شدن یک فرد در بین آحاد جامعه شد. که در این قسمت بر اساس روانشناسی اجتماعی به تبیین این چرایی خواهیم پرداخت:

۳۴



فصل نامه راهبرد

نشریه علمی دانشجویی  
روانشناسی تربیتی  
سال ۹، شماره ۳۱

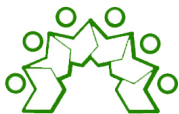
## پر کردن شکاف طرحواره‌ها از طریق شناخت دیگران (دیگران شاهراهی برای شناخت خودمان)

زمانی که افراد درباره‌ی ماهیت دنیای اجتماعی نامطمئن و مردد هستند، برای پر کردن شکاف‌ها از طرحواره‌هایشان بهره می‌گیرند. طرحواره یک میانبر ذهنی است، چرا که وقتی اطلاعات کمی داریم طرحواره‌ها برای پر کردن شکاف‌ها، اطلاعات اضافی را ارائه می‌دهند (فیسک و تیلور، ۲۰۱۳؛ مارکوس و زایونک، ۱۹۸۵). بنابراین، هنگامی که برای درک سایرین تلاش می‌کنیم، می‌توانیم از اندک مشاهداتمان از یک فرد به عنوان نقطه آغاز استفاده کنیم و سپس با استفاده از طرحواره‌هایمان به درک خیلی کامل‌تری نائل شویم.

در مطالعات زیادی که طی چند دهه‌ی اخیر انجام شده‌اند، آزمودنیها به رغم رد شدن یا نادرست از آب درآمدن پایه و اساس قضاوتشان، تمایل به تأکید کردن بر برداشت‌های اولیه‌ی خود داشتند. در واقع ثبات باور نشان می‌دهد که چرا دانشمندان نتیجه‌گیری‌های پژوهشی مبتنی بر داده‌سازی را به سرعت رد نمی‌کنند (آرونسون و همکاران، ۲۰۱۶). مطالعه اش (۱۹۶۶) نشان می‌دهد که در ادراک اجتماعی اثر تقدم وجود دارد، چرا که برداشت‌های اولیه ما از اطلاعات بعدی درباره‌ی وی تاثیر می‌گذارد. علاوه بر اثرات تقدم، از طرحواره‌هایمان درباره‌ی اینکه کدام صفات باهم و در قالب یک گروه (خوشه) ظاهر می‌شوند، برای تعیین ویژگی‌های احتمالی افراد استفاده می‌کنیم. برای مثال فرد مستعد و سخت کوش از نظر سایرین قدرتمند و مسلط است، در حالی که فرد بی‌کفایت و نالایق ضعیف و مطیع تلقی می‌شود (فیسک، کادی و گلیک، ۲۰۰۶؛ تودوروف و همکاران، ۲۰۰۸؛ وجیزک، ۲۰۰۵؛ نقل شده در آرونسون و همکاران، ۲۰۱۶).

ازسویی دیگر، ما به هنگام ادراک اجتماعی، تمایل به ثبات باور داریم؛ یعنی تأکید بر نتیجه‌گیری‌های

۳۵



فصل نامه راهبرد

نشریه علمی دانشجویی  
روانشناسی تربیتی  
سال ۹، شماره ۳۱



# PEOPLE'S REDESIGN

WHAT WILL YOU FIND IF YOU

A TRIPOD MEDIA LLC PRODUCTION IN CO-PRODUCTION WITH INDEPENDENT TELEVISION SERVICES  
A FILM BY HAO WU EXECUTIVE PRODUCERS JEAN TSJEN SALLY JO FIFER LOIS VOSSSEN  
DIRECTED, PRODUCED, FILMED

TRIPOD

itvs

JustFilms

WWW.DESIGN

© 2018 TRIPOD MEDIA LLC



اولیه علیرغم اینکه اطلاعات بعدی خلاف آن را نشان دهند. در مطالعات زیادی که طی چند دهه‌ی اخیر انجام شده اند، آزمودنی‌های پژوهش به رغم رد شدن یا نادرست از آب درآمدن پایه و اساس قضاوتشان، تمایل به تأکید کردن بر برداشت‌های اولیه‌ی خود داشتند (گریتمیر، ۲۰۱۳؛ لیلینفلد و بیرن، ۲۰۱۳). از این رو با قطعیت می‌توان گفت که خودپنداره در انزوا رشد و تحول نمی‌یابد بلکه توسط افراد پیرامونمان شکل می‌گیرد. اگر با سایرین تعامل نکنیم، تصورمان از خودمان مبهم خواهد بود؛ چارلز کولی (۱۹۰۲) به نقل از آرونسون و همکاران (۲۰۱۶) این موضوع را «خود آینه‌ای» نامید، یعنی دیدن خودمان و دنیای اجتماعی از نگاه سایرین و اتخاذ دیدگاه‌های آنان. در این راستا در خصوص ویژگی‌های تماشاگران لایو استریم‌ها از جمله کارگر مهاجر در فیلم می‌توان گفت:

بی‌هویتی، نداشتن معنا و هدف جدی در زندگی، بی‌برنامگی، ایده گرفتن برای کسب و کارهای مجازی، دست یابی به شهرت، تشخیص و یافتن توانایی‌های خود با دیدن افرادی که با ما شباهت‌هایی دارند و به جایی رسیده و صاحب پول و شهرت شده‌اند که به این ترتیب دنبال کردن آن‌ها، به ما انگیزه و امید می‌دهد. از این رو، آن‌ها منابع اطلاعاتی برای ما در رابطه با پوشش و مد و سبک زندگی و رابطه با دیگر افراد جامعه و از همه مهمتر شناخت خودمان هستند.

### تحلیل ستارگان و سرمایه گذاران فضای مجازی (کسانی که در نقش بزرگان بازی می‌کنند)

ما در گذشته، سخنان قهرمانان (شامل دولت‌مردان، دانشمندان، کاشفان و چهره‌های نظامی) را تحسین می‌کردیم، به آنها احترام می‌گذاشتیم و از آنها پیروی می‌کردیم. این قهرمانان در میدان جنگ یا در آزمایشگاه یا در قله‌های مرتفع، موفقیت‌های

بزرگی کسب می‌کردند و مردم آن‌ها را با کارهایشان می‌شناختند. حالا دیگر ما تغییر کرده‌ایم؛ دست کم از نظر لن شرمین این طور است؛ او می‌نویسد: «ما قهرمانان سنتیمان را رها کرده و ورزشکار بازیگران را جایگزین آنها می‌کنیم. اگر چه زمانی مردمی را تحسین می‌کردیم که کارهای بزرگی می‌کردند، اما امروزه کسانی را تحسین می‌کنیم که نقش مردمی که کارهای بزرگ می‌کنند را بازی می‌کنند». رها کردن تدریجی مخترعان و کاشفان را هم می‌توان نتیجه تغییرات ملال آور و خسته کننده در زندگی دانست. بعد از الکتریسیته، موتور احتراق داخلی، تلویزیون و ژن درمانی، دیگر چیزی هم برای کشف کردن باقی مانده است؟ وقتی اورست و کوه‌های کوچکتر از آن فتح شده است، و بارها افرادی با قایق کره زمین را دور زدند و آمازون نقشه برداری شده، ماجراجویی به جای تکیه بر طبیعت، مجبور به نوآوری و چالش‌های تازه است.

عجیب به نظر می‌رسد که جالب‌ترین چیز در مورد «فرهنگ شهرت» این است که کم اهمیت‌ترین جز آن، ستارگان هستند. چیزی که کمتر جالب اما بسیار مهمتر است علاقه پیوسته ما به اشخاص مشهوری است که مسیرشان هرگز به ما نمی‌خورد و از ثروت بی‌حسابشان چیزی دستگیرمان نمی‌شود. و این امر روزه روز مخاطب را بیشتر از گذشته تحت تاثیر قرار داده است؛ خروجی‌های بیشتر، زمان بیشتر و بیننده‌های بیشتر (کشمور، ۱۳۹۶). افراد مشهور برآمده از فرهنگ عامه پسند - فقط ابزارهایی برای بازاریابی و تایید فیلم‌ها موسیقی - یا محصولات مصرف‌کنندگان نیستند، بلکه خودشان نیز تبدیل به محصول شدند. آن‌ها اکنون کالا هستند؛ آنها تبدیل به اموالی تجاری‌ای. البته مشخص است که شما نمی‌توانید خود آنها را بخرید، اما می‌توانید بازنمایی‌هایشان، صداهایشان و محصولاتشان که با نام آنها گره خوردند را بخرید.

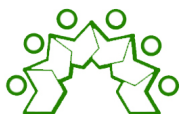
نیستند، بلکه خودشان نیز تبدیل به محصول شدند. آنها اکنون کالا هستند چون تبدیل به اموالی تجاری شده‌اند که می‌توان در بازار خرید و فروخت. مشخص است که شما نمی‌توانید خود آنها را بخرید، اما می‌توانید بازنمایی هایشان، صداهایشان و محصولاتشان که بانام آنها گره خوردند را بخرید. به عبارت بهتر مصرف‌کنندگان برای این حضور پول می‌دهند. البته برای این که کار را در همینجا رها کنید باید معتقد به نظریه توطئه باشید. تصویر گروهی از سرمایه‌داران دست چین که دور یک میز جمع شده‌اند و در مورد فاز بعدی جامعه مصرفی و این ایده که افراد مشهور را از آگهی‌ها تبدیل به کالاهای واقعی کنند توطئه‌چینی می‌کنند تصویر خوشایندی برای منتقدان به نظریه توطئه است (کشمور، ۱۳۹۷).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تا اینجا شرایط اجتماعی در حال تغییری را مطالعه کردیم که در آن چهره‌های مشهورنه تنها موقعیت‌های برجسته، بلکه موقعیت‌های مورد احترام را هم اشغال کردند. به‌گونه‌ای که اگر در

برای بحث در خصوص سرمایه‌گذاران پشت پرده صحنه فضای مجازی بهتر است به موضوع اینفلوئنسری کودکان نگاهی بیاندازیم. پنج هزار دلار درآمدی نیست که روزانه نصیب هرکسی شود. اما کودکان اینفلوئنسر و اینستاگرامی «هرکسی» نیستند. والدین آنها می‌توانند عکسی از فرزند خود بیاندازند و بابت تغییرات تجاری، از شرکت‌های بزرگ و سرمایه دار پول هنگفتی بگیرند. ویکسون می‌گوید این شرکت‌ها ارزش‌های خانوادگی آنها را به درستی نمایندگی می‌کنند؛ به بیان دیگر، نخواهید دید که، قرص لاغری یا هر چیز دیگری را که در آینده مایه‌ی خجالت بچه‌هایش شوند تبلیغ کند (نیکلاس و همکاران، ۱۳۹۸).

بعضی از نویسندگان استدلال می‌کنند که فرهنگ شهرت امروز امتدادی از علاقه به مشاهیر است، که این پدیده پیشینه تاریخی بلندی دارد. البته چیزی در مورد فرهنگ شهرت امروز فرق دارد و ما این موضوع را به عینه در مستند مشاهده می‌کنیم که چهره‌های مشهور یا افراد مشهور برآمده از فرهنگ عامه پسند- فقط ابزارهایی برای بازاریابی و تایید فیلم‌ها موسیقی- یا محصولات مصرف‌کنندگان



صحنه تئاتر، نورافکن را روی بازیگر بالای سن متمرکز کنیم، چیز دیگری بجز آن شخص دیده نخواهد شد. به همین ترتیب، وقتی رسانه ها و سرمایه گذاران خود را وقف اخبار سلبریتی ها می کنند، مشکلات واقعی جامعه به فضای تاریخ فراموشی سپرده می شود. از آن پس، تا حرفی از دهان یک هنرپیشه خارج نشود، رسمیت پیدا نمی کند. در این اوضاع، سیاست دست افرادی می افتد که صرفاً عروسک خیمه شب بازی سرمایه گذارانی خواهند بود که نه اهدافشان و نه هیچ چیز دیگرشان به مرم عادی شباهت و ربطی ندارد. خلاصه کلام اینکه، اگر دنبال فرصتی می گردید که از سلبریتی ها متنفر شوید، همین الان بهترین وقت است؛ سلبریتی های مهربان و زیبا، با لبخندهای بی نقصشان، دارند دنیا را از دست ما درمی آورند. آنها چهره ی خشن سرمایه داری شرکتی را ملایم می کنند. از همه بدتر، کنشگری فعال ما را در جامعه را خاموش می کنند (نیکلاس و همکاران، ۱۳۹۸).

مصادق این موضوع را می توانیم در این مستند نظاره گر باشیم؛ وقتی افرادی با انواع ترفندها و زرق و برق ها، با هنجار شکنی ها و برای دریافت پول بیشتر از سرمایه گذاران شان، تماشاگران لایو ایستریم ها را به گونه ای درگیر خود می کنند که حتی یک کارگر مهاجر با حقوق ناچیزش به دنبال هواداری از فردی است که شاید هیچکدام از خصوصیات او صرفاً بدلیل آنچه می بیند و به آنها نسبت داده است را ندارد. و از همه مهمتر با دیدن این لایو ایستریم ها و شرکت در مسابقات آنها هیچ منفعت و سودی برای او نخواهد داشت. و در نهایت آنکه این پول ها در نهایت به جیب ستاره ای ریخته می شود که در آینده ای نه چندان دور نوبت خاموشی او نیز فرا خواهد رسید و سرمایه گذاران اصلی، فردی دیگر را جایگزین او خواهند کرد.

### منابع

آرونسون، الیوت؛ ویلسون، تیموتی؛ آکرت، رابین؛ سامرز، ساموئل (۱۳۹۷). روانشناسی اجتماعی (ترجمه: مجید صفاری نیا، پرستو حسن زاد). تهران: نشر ارسباران (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۱۶).

براتی، طیبه؛ کولدری، نیک (۱۳۹۴). مناسک رسانه های؛ با رویکرد انتقادی. (ترجمه: حمیدرضا نجفی). تهران: انتشارات طرح آینده.

کشمور، الیس (۱۳۹۷). فرهنگ شهرت (ترجمه: احسان شاهقاسمی). تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

نیکلاس، تامیو؛ پلاننیک، ریچل؛ باستیلوس، ماریا؛ ولی، آلی؛ کالفیلد، تیموتی؛ جورج، مونیبو؛ جفری، الکساندر؛ استفن، مارش (۱۳۹۸). از گیلگمش تا لیدی گاگا (جستارهایی درباره ی فرهنگ سلبریتی). تهران: انتشارات ترجمان علوم انسانی فصلنامه فرهنگ و اندیشه.

Fisk, S. T., Taylor, S. E. (2013). Social cognition: From brains to culture. Thousand Oaks, CA: sage

Greitemeyer, T. (2013) Article retracted, but the messages lives on. *Psychonomic Bulletin review*. Advance online publication

Lilienfeld, s., o., Bayron, R.B. (2013). Your brain on trial. *Scientific American Mind*, 23, 43\_53

Markus, H. R., Zajonc, R. B. (1985). The cognitive perspective in social psychology. In G. Lindzey & E. Aronson., *Hand book of social psychology*. (3rd ed., vol. 1, pp. 137\_230). New York McGraw\_Hill

